

رقابت ها، از غارتگری ها پرده برمی گیرد

* تنها در یک مورد ۲ میلیارد تومان در استان فارس به سرفت رفته است

کوشه ای، از غارتگریها برمی گیرد. اما انتشار همین مختصر هم، گویاست. قضایایی که در دیماه پیر امون اختلاس کلان در شرکت نفت در استان فارس بر ملا شد، در این زمینه نمونه وار است.

ماجرای برای نخستین بار در نماز جمعه شیراز مطرح شد. حاشی شیرازی جنایتکار، امام جمعه شیراز و از وابستگان به جناح "رسالت"، که در نظیره "هم جناح" های خود از پیشروی اخیر رقبا احساس خطر می کرد، برای کشاندن دعوا به یک عرصه دیگر، "با اشاره به سرفت ۲ میلیارد تومانی که توسط برادر سه شهید کشف شده بود گفت: بعضی از خواهران و برادران سؤال می کنند که موضوع برخی سرفتها چیست؟ بنده عرض می کنم استان فارس در آستانه یک تحول بزرگ است و مردم بایستی خودشان را برای بقیه در صفحه ۲

هروقت آخوندها و مکلاهای حکومتی به جان می افتند و جنگ قدرت شدت می گیرد، بازار افشاگریها و پرده دریها گرم می شود. سبک کار هم همیشه یکی است: اول در نطق پیش از دستوری، نماز جمعه ای... ناطق به زبان کتابه و اشاره به حریف می فهماند که "ما از فلان قضیه هم باخبریم". بعدا، با به تلافی یک حمله یا پس از تکذیب طرف مقابل - که آن هم معمولا غیر صریح و مبهم است و فقط "طرف" می فهمد مخاطب کیست - کم کم اصل قضیه به تفصیل بیشتری رومی شود. موضوع هم به هیچ وجه کم نمی آید. آنقدر در دوارودی رقیب دزد و رشوه خوار و... هست که کفاف جنگ منبری فقها را بدهد. تازه خیلی از قضایای "داغ" را ظرفین تکه می دارند برای "روز میاد"، برای روزی که بخواهند ضربه اصلی را به حریف وارد کنند. بنابراین، افشاگریها تنها پرده از

اکثریت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۶۶ برابر ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۹۲

"ولایت مطلقه"

درگیری و کشمکش در رژیم آخوندی گسترده و نیز بازتاب وسیعی یافته است. دور اخیر کشکشی که به موضوعی صریح خمینی به سود یک جناح انجامید، از "فرح جدید مبارزه با کرائی" که در اواخر تیر ماه سال جاری اعلام شد، به تدریج شدت گرفت تا به جایی که شاهد آنیم، رسید. موضوع از این قرار بود که با کاهش سریع سطح زندگی مردم، که خود معلول، بخت و غارت سرمایه داری و انجام گسیختگی آن در رژیم خمینی است، برخی "ژنک خنرها" برای حکومتیان به صدا درآمدند. دوراندیشان را ترس از "طغیان فقرا"، فراگرفت. جناحی در حکومت، این ترس مشترک را در خدمت منافع خود در اشغال بیشتر مواضع قدرت قرار داد و کار را از به راه انداختن چارو جنگال پیر امون "مبارزه با کرائی" آغاز کرد. رفسنجانی در روز ۲۹ تیر ماه گفت: "بعضی از مقررات محدود کننده را معمولا الان نمی توانیم بگذاریم، از شورای نگهبان عبور نمی کنند... ما دیشب خدمت حضرت امام بودیم و اجازه خیلی مهمی را مطرح کردیم که قضیه خیلی مهم است در تعزیرات کز انقروشان، ما تا دیشب، باید منتظر دستگاه قضایی می ماندیم که تعزیر برود دادگاه و دادگاه حکم بدهد. امام فرمودند اینها، احکام حکومتی است و دادگاه لازم ندارد که بخواهد تعزیر کند... این حق قانونی دولت باشد که تعزیر کند." (الملاعات ۲۰ تیر)

اما در رژیم فقها، جناحی وجود دارد که همین اقدامات سطحی را نیز که حفظ نظام و مصرف تبلیغی را هدف دارد، تحمل نمی کند. آخوندهای پیرچمدان "فقه سنتی" در پیوند با بازار، کم کم بقیه در صفحه ۲

توب علیه خرد

"آیت الله خمینی نوجوانان بالای دوازده سال را از آغوش پدر و مادر درآورده و راهی جبهه ساخت ناز و روی میادین مین بگذراند. بر گردن آنها کلیدهایی را آویزان کرده اند که ساخت تایوانند چنشان از پلاستیک است و با آنها می توان در بهشت را باز کرد." (هفته نامه شوروی عصر جدید)



حزب الله در قایق های تندرو برای حمله به کشتی ها و نفت کش ها و تشنج آفرینی در خلیج فارس

از رویدادهای ایران

● ادامه عملیات جنگی در خلیج فارس و در جبهه های زمینی

● ۶۰ درصد محصول گندم کشاورزان در خطر نابودی است

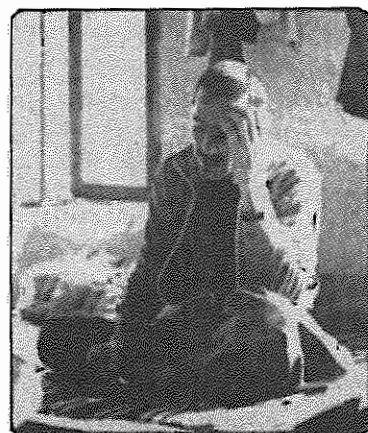
● آزمون دانشگاه ها، دامی سر راه دانش آموزان برای کشاندن به جبهه

● مسئول اداره ای که در آن کارمند بد حجاب باشد به زندان محکوم می شود

در کوچه های غم گرفته شهر صدای شوم چغند اعتیاد می پیچد. خاک سفید، هوادیه، چهارراه مولوی خیابان سابق چمشید... صدامه جا را می نورد و بیش از همه در "رنج آباد" های شهر به گوش می رسد. این چهره های تکیده، این سیمای جوان که چونان کلی در خزانی وودرس پژمرده اند، هرگز طعم شیرین شادی شکفتن را نچشیده اند، فرار از زندگی به آغوش مرکزای اعتیاد. اینان بجز از زندگی می گریزند؟ ایجادگر واقعی این چهره های غم آلود، این تن های رنجور، این لبخندهای خشکیده و این تناهای شرمگین و دردمند چیست؟ این اسیران اعتیاد قربانیان کیانند.

تهران، بلوچستان، کرمان، همدان، خراسان... پنجه اعتیاد در پرتو حکومت اسلامی، چنان گلوی بسیاری از زنان، مردان، جوانان و حتی کودکان این استانها را می فشرد، چنان تصویرهای درد آلودی می آفریند که از دیدن آنها

اسیران اعتیاد



رقابت‌ها، از غارتگری‌ها پرده برمی‌گیرد

بقیه از صفحه اول

این مسئله آماده گفتند: (رسالت ۶ دیماه). تا اینجا قضیه به کلی گنگ است. معلوم نیست چه کسی سرقت ۲ میلیاردی کرده، "برادر سه شهید" کیست و... اما همین قدر معلوم است که "برای این انسان طوری پرونده‌سازی کردند که حتی به اخراج او اکتفا نمودند بلکه زمینه زندان انداختن او را هم فراهم کردند و بعد به این هم اکتفا نکردند و برای ترور برادر سه شهید به جرم کشف یک سرقت ۲ میلیارد تومانی زمینه‌سازی نمودند... بعد برای آن گروه سارق، یک مسئول برود در زندان، به آنها بگویند چیزی نگویید ما دنبال کارتان هستیم. آزاد می‌شوید. بعد آنها آزاد شوند و دوباره سرکار برگردند و دوباره دزدی بزرگتری کنند... تمام کسانی که به هر شکلی با این سارقین بودند و از آنان دفاع کردند، تلفن کردند، تقویت کردند، هر که باشد در هر لباس بایستی اموال اینها توقیف بشود، تا مسلم بشود از آن اموال چیزی بدست آنها نیامده که اینطور همکاری کرده‌اند."

به مصداق "چوب را که برداری گریه دزده حساب کار خودش را میکنند" مخاطبان حائری شیرازی خودنود به حرف آمدند. آخوند رسول منتخب‌نیا، نماینده شیراز در مجلس و از مخالفان حائری شیرازی در روز پنجشنبه ۱۰ دی، در نطق پیش از دستور، به او حمله کرد و گفت: "در شیر شیراز... چند سال است که... مردم حزب الله نسبت به نماز جمعه شهر خود بدبین و بی‌عقیده شدند. لذا جمعیت محدودی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند اکثراً فقط به خاطر توصیه حضرت امام حضور می‌یابند... چرا خطبه‌های جمعه... نوعاً مشتمل بر مبارزه و تضعیف دولت و مسئولین کشور و با زیرکی خاص متهم کردن استاندار، مدیران کل و سایر مقامات به وهابیت‌گری، ضد روحانیت، باند مهدی‌هاشی، دزد و امثال آن باشد...؟ چرا در خطبه‌ها گاهی مدرسین قم و زمانی شورای نگهبان بعنوان شاغل تشخیص حق از باطل معرفی شوند؟" (رسالت ۱۲ دی) منتخب‌نیا دهها "چرا"ی دیگر هم گفت که به معنی تهدید به گسترش درگیری به عرصه‌های مختلف در صورت

یافتاری حریف بر موضوع مطروحه بود.

اما حائری شیرازی میدان را خالی نکرد و فردای نطق منتخب‌نیا در مجلس، در نماز جمعه شیراز در دفاع از خود گفت: "من نمی‌فهم اشتباه بوده این صحبتی که کردم... شما فرض کنید در خانه خودتان چیزی کم شده، می‌گویید خدا لعنت کند آن کسی که این چیز را دزدیده است. یک دفعه کسی بلند شود بگوید چرا آقا به ما لعنت می‌کنی، خوب شما چه فکر، می‌کنی، می‌گویید خودش است، پیدا کردم و بلند می‌شوی یقه او را می‌گیری و دیگر این طرف و آن طرف نمی‌گردی و سرنگ را پیدا کردی. آقامن به شما نصیحت می‌کنم، آبرویتان را حفظ کنید، عقلتان کجا رفته؟" روزنامه رسالت ۱۲ دی که این سخنان را به تفصیل نقل کرده، افزوده است: "یادآوری می‌شود که مسائل فوق‌الذکر در خطبه‌های آقای حائری هنگام بخش از رادیو مرکز شیراز حذف گردیده بود."

در روز یکشنبه ۱۲ دی، در جلسه مجلس "کمیسیون اصل نود" گزارشی با عنوان "در مورد تشنگات و سواستفاده‌های بعضی مسئولین شرکت نفت" ارائه کرد. "اصل نود" در قانون اساسی جمهوری اسلامی مشابه قانون "از کجا آورده‌ای" رژیم شاه است و تحقیقات پیرامون دارایی مقامات دولتی و منبع تهیه آنها را پیش بینی می‌کند. "کمیسیون اصل خود" مجلس، به ریاست آخوند فهیم کرمانی از چهره‌های جناح "فقه سنتی" است. هم او بود که گزارش را قرائت کرد. مختصر این گزارش از این قرار است:

در بهمن ماه ۶۵، محمدعلی ایزدی کارمند شرکت نفت شکوائیه‌ای به کمیسیون می‌فرستد و می‌نویسد در سال ۶۲ "متوجه باند سواستفاده کننده و حیف و میل بیت‌المال در ناحیه شیراز به سرکردگی معاون شرکت نفت ناحیه شیراز (بنام عنایت‌الله اسلاملو) می‌گردید. ایزدی را به پیرویه بخارک تبعید می‌کنند. او ضمن کار در خارک، ماجرا را به غرضی وزیر نفت وقت گزارش می‌کند. غرضی به شکایت او ترتیب اثر می‌دهد، معاون مدیرپخش مرکز (بنام احمد فرج‌پور) را برکنار و عنایت‌الله اسلاملو را یک سال منفصل می‌کند و

دستور می‌دهد ایزدی (شاکتی) به شیراز برگردانده شود.

اما عمر وزارت غرضی کفاف ادامه دفاع او ایزدی را نمی‌دهد. آقا زاده جانشین غرضی که عنصر وفادار جناح رقیب "رسالتی‌ها" است، با اینکه ایزدی ماجرا را حضوراً هم به او گزارش می‌کند، معاون برکنار شده مدیرپخش و اسلاملو را به کار برمی‌گرداند. ایزدی به "دادسرای انقلاب اسلامی" شیراز رو می‌آورد. بر اثر پیگیری‌های، "هزاران سند و حواله‌های جعلی روغن ۲۰۰۰ لیتری و غیره که به نام اشخاص و شرکت‌های مجهول الهویه صادر، و با فروش آن در آشفته بازار سیاه در نمانی که کشاورزان به چند لیتر آن نیازمند بودند، میلیون‌ها تومان سواستفاده نموده" کشف می‌شود. "باند" دستگیر می‌شود. آقا زاده وزیر نفت خود را وارد ماجرا می‌کند و دستور می‌دهد اگر نمایندگان دادسرا بخواهند وارد محوطه شرکت نفت شیراز بشوند، به سوی آنها تیراندازی می‌شود.

پس از تحولاتی، او جمله پیشنهاد دستیاران آقا زاده به ایزدی برای قبول پست ریاست ناحیه شیراز و رد آن توسط ایزدی، وی باز خرید می‌شود و "برای همیشه این مؤاحم را از سر راه خود برمی‌دارند و ۲۷ روز بعد در تاریخ ۶۶/۱/۱۸ همسر او را نیز طی حکمی بدستور وزیر محترم نفت بدون هیچگونه دلیل موجهی آماده به خدمت" می‌کنند.

لبه تیز حمله گزارش "کمیسیون اصل نود" متوجه آقا زاده وزیر نفت است و در چندین مورد به تناقض کوبی‌ها، لاپرواشی‌ها و "تخلقات" او اشاره می‌کند.

"هم جناح"‌های آقا زاده او را در این مصاف تقه‌تقه‌اشته. یک روز پس از قرائت گزارش "کمیسیون اصل نود"، محتشمی وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در مورد مسائل استان فارس گفت: "در شرایطی که امام حرکتی را در ارتباط با محرومین توسط تعزیرات حکومتی انجام داده‌اند در چنین زمانی یک سری افراد سودجو طرف بعضی از شخصیت‌ها را گرفته و اینها را از آن واقعیت‌هایی که هست، اغوا می‌کنند... حادثه‌ای در ۲/۵ سال پیش اتفاق افتاده و اتهامی زده شده به یک

مسئولی، و در دادگاه مطرح شده و اصل و فرع آن ۱ تا ۲ میلیون تومان بیشتر نبوده حالا در این شرایط مطرح می‌شود که میلیاردها سواستفاده شده است." (رسالت ۱۵ دی)

روزنامه رسالت در سرمقاله‌های ۱۵ و ۱۶ دیماه خود جانب حائری شیرازی را گرفت و خواهان قطع دست رقبای دزد، یا به عبارت دیگر دزدان رقیب شد.

در روز ۱۸ دیماه، حائری شیرازی در نماز جمعه شیراز پاسخ اظهارات محتشمی را داد. وی گفت: "یکی از مسئولین کشوری در رابطه با پرونده شرکت نفت بیان فرموده بودند که این اختلاس مربوط به ۲ سال و نیم قبل بوده و رقم این اختلاس یک یا دو میلیون می‌باشد در صورتیکه دادستانی انقلاب اسلامی این اختلاس را ۷ ماه قبل عنوان نموده که این اختلاس بیش از صد میلیون تومان است..." (رسالت ۲۰ دی)

در روز ۲۲ دیماه، آقا زاده وزیر نفت به مجلس رفت و پاسخ خود به گزارش "کمیسیون اصل نود" را به مجلس ارائه کرد. وی کوشید حمایت خود را از متهمین پرورده اختلاس ترجیه کند و متقابلاً ایزدی مهره مورد حمایت جناح مقابل را متهم کرد که "قبل از انقلاب ایشان خود را وابسته به ساراک معرفی می‌کرده و از این طریق اظهار وجود می‌نموده است." وزیر نفت سپس به برشمردن "آشوبگری‌ها" و "تشنج آفرینی" ایزدی پرداخت. آقا زاده سرونه جوابیه خود را بدون اشاره به اصل ماجرا، یعنی حمایتش از عاملان اختلاس، با همین حملات متقابل به هم آورد.

"کمیسیون اصل نود" علاوه بر موضوعی که در بالا به آن اشاره کردیم، گزارشی هم درباره وضعیت توزیع لاستیک اتومبیل منتشر کرده است که به ماجراهای دزدی در وزارت بازرگانی می‌پردازد. قلعاً ادامه کشمکش‌ها و به ویژه فرار سیدن مبارزه انتخاباتی، موارد بیشتری را برملا خواهد کرد. این غارتگری‌ها، علاوه بر آنکه افشاگر جوهر چرکین حکومت پاسدار سرمایه است، یک واقعیت دیگر را نیز بازتاب می‌دهد: حکومتگران، خود می‌دانند که روز انتقام مردم فرا خواهد رسید. "دوراندیش" ترین آنها، از همین امروز به فکر جمع کردن هر آنچه قابل جمع کردن است، افتاده‌اند شعار آنان این است: بار خود را ببند که از آینده کسی خبر ندارد!

“ولایت مطلقه”

بقیه از صفحه اول

و مژه‌های مخالفت را بلند کردند. محتشمی وزیر کشور در این رابطه اخیراً گفت: “روی چه حسابی است که وقتی تعزیرات حکومتی از طرف ولی فقیه مطرح می‌شود یک مرتبه یک آقایی از آنطرف می‌آید می‌گوید نظر شرعی من و استنباط من این نیست... آنچه را که ولی فقیه می‌فرماید برای همه لازم الاجراست حتی مجتهدین و مراجع تقلید.” (رساله ۱۵ دی) سخنان محتشمی افغان به این است که در میان مخالفان “تعزیر حکومتی”، مجتهد و مرجع تقلید هم بوده است.

به موازات اعلام و اجرای “مبارزه با گرانی”، مجلس آخوندی قانون کار را هم تصویب کرد و به شورای نگهبان فرستاد. موضع فقهای شورای نگهبان از آغاز این بود که روابط کارگر و کارفرما باید بر اساس “باب اجاره” در فقه و طبق رساله “تدریر الوسیله” تنظیم شود، یعنی در قانون کار هیچ شرط الزامی بیش بینی نتردد و به کارفرما اختیار تحمیل هر شرطی در تنظیم قرارداد به کارگر داده شود. قانون مسوب مجلس، از آنجا که بر اساس یک غریبتگاه “ضد انگیزه‌ای” نوشته شده، با چنین موضعی نمی‌خواند. فقهای شورای نگهبان، از خمینی کسب تکلیف کردند. خمینی در آذرماه پاسخ داد که حکومت اسلامی، می‌تواند به‌ازای خدماتی مانند آب، برق، جاده و غیره، شرایطی را در انعقاد قرارداد کار الزامی کند. همچنین در مورد معادن نیز حکم در اختیار گرفتن آنها توسط دولت از سوی خمینی صادر شد.

صافی دبیر شورای نگهبان، در بی‌صدور این فتواها، نامه‌ای به خمینی نوشت که در آن آمده بود: “از فتوای صادره از ناحیه حضرت عالی... بعضی اشخاص استظهار نموده‌اند که دولت می‌تواند هر گونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازگرائی، امورشهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصلی و مستقیم اسلام قرار دهد... موجب این نگرانی شده است که نظامات اسلام از مزارعه، اجاره، تجارت، عائله و سایر روابط بتدریج عملاً منحل و در خطر تعویض و تغییر قرار بگیرد... می‌خواهند در برقرار کردن هر گوشه

نظام اجتماعی و اقتصادی این فتواریا مستمسک قرار دهند.” سپس صافی از خمینی خواست “رفع اشتباه” کند. اما خمینی از صافی “رفع اشتباه” کرد و نوشت: “دولت می‌تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می‌کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد... حضرات آتاپان محترم به شایعاتی که از طرف استفاده جویان بی‌بند و بار یا مخالفان با نظام جمهوری اسلامی پخش می‌شود اعتنایی نکنند که شایعات در امری ممکن است.”

جمله آخر جوابیه خمینی به صافی، مدافعان “نظامات اصلی و مستقیم اسلام”، یعنی مخالفان اعمال هرگونه کنترل دولتی بر کار “تجار محترم” را به وسوسه انداخت که در مقابل باجناحی که فتوای جدید را علم کرد، عرض اتمام کنند. خامنه‌ای، رئیس جمهور خمینی مرتکب یک اشتباه فاحش شد و در نماز جمعه تهران، با حساب باز کردن بر روی اینکه خمینی این بار هم سکوت خواهد کرد، ویایی اطلاعاتی از آنچه در سر خمینی می‌گشت، گفت: “این اقدام دولت اسلامی (شرط گذاشتن در قرارداد های کار) به معنای برهم زدن قوانین و احکام پذیرفته شده اسلامی نیست و تکیه سؤال دبیر محترم شورای نگهبان روی همین است...”

(امام) فرمودند دولت می‌تواند شرطی را بر دوش کارفرما بگذارد، شرط الزامی، این هر شرطی نیست، آن شرطی است که در چهارچوب احکام پذیرفته شده اسلام است و نه فراتر از آن.” (رساله ۲ دی)

خمینی در پاسخ و در رد این سخنان خامنه‌ای، نامه معروف خود را نوشت که در شماره‌های گذشته بدان اشاره کردیم. خمینی در این پاسخ، حکومت اسلامی را “ولایت مطلقه‌ای” که از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهیه تقدم دارد خواند و افزود: “تعبیر به آنکه ایفجانب گفته‌ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیارات است به کلی

بر خلاف گفته‌های ایفجانب است.” خمینی تاکید کرد: “آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها با این اختیارات از بین خواهد رفت صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد این اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است.”

بلافاصله پس از انتشار این نامه خمینی به خامنه‌ای، رفسنجانی در مجلس بیروزمندانگفت: “حال از این جواب نامه معلوم شد که سکوت‌های ایشان هم در مواقع دبیتری معنای خاص خودش را داشته است... اگر کسانی مریض نباشند و خط امام را قبول داشته باشند دین نباید تفرقه‌ای باشد... از شورای محترم نگهبان تقاضا می‌کنم... فقرات حضرت امام را جدی بگیرند، فقرات خودشان را و دیگران را مانع اجرای فقرات امام نکنند.” (رساله ۱۷ دی)

اصلاح جدید “ولایت مطلقه” موضوع سخنرانی‌ها، راهپیمایی‌ها و حتی سیمینارها شد. در نمازهای جمعه، آخوندهای هوادار جناح - لاقول در این مقطع - بیروزمند، تبلیغات گسترده‌ای به راه انداختند. البته خمینی در پاسخ “توبه‌نامه” کتبی خامنه‌ای ضمن تکلیف کردن به او که در نماز جمعه خطبه توبه بخواند، دستی هم به سروروش کشید و رئیس جمهور کریه المنظر خود را به “خورشید” تشبیه کرد. رفسنجانی نیز در سخنرانی دومی در مجلس، طبق معمول همیشه گفت موضوع، “تصاحب قدرت” نیست و از نمایندگان خواست “به گونه‌ای بحث نکنند که مایه خوشحالی دشمنان ما نباشد.”

اما این توصیه‌ها، ظاهری بود و قدرت نمایی‌های برندگان این دور از کشمکش ادامه یافت. در روز چهارشنبه ۲۲ دی، به دعوت “اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان”، راهپیمایی به حمایت از “ولایت مطلقه” از دانشگاه تهران به چارماران برگزار شد. ۴۷ نماینده مجلس نیز از این راهپیمایی پشتیبانی کردند.

پاسخ خمینی به خامنه‌ای، طرفداران “فقه سنتی” را برای مدتی “شوکه” کرد. امامی کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان یک روز پس از انتشار نامه خمینی در نماز جمعه تهران از هر اشاره‌ای به “ولایت مطلقه” و نامه خمینی اجتناب ورزید. خنخالی در مجلس، “میچ” امامی کاشانی گرفت و گفت: “آقای امامی کاشانی در خطبه نماز جمعه یک اشتباهی کردند که مسلماً چبران می‌کنند و حقش نبود که ایشان در آن موقع حساس سکوت اختیار بکنند.”

(رساله ۲۲ دی) امامی کاشانی در مصاحبه‌ای در روز ۲۲ دیماه، “شوکه شدن” خود را تلویحاً تایید کرد. وی اظهار داشت: “پاسخ حضرت امام به نامه رئیس جمهور صبح پنجشنبه مطرح شد که من اصلاً از آن اطلاعی نداشتم... و در راهم از اخبار ساعت ۱۴ این پیام را شنیدم و چون به عنوان سخنگوی شورای نگهبان انتخاب شده‌ام باید مطلبی را که مطرح می‌کنم بر اساس مشورت با اعضای شورای نگهبان باشد لکن در نماز جمعه... نمی‌توانستم راجع به اظهارات مهم حضرت امام شایسته صحبت کنم.” (ساندیا) امامی کاشانی در توضیح مغایرت ذکر دکلمه شورای نگهبان با موضوع اخیر خمینی گفت: “مطلبی که اخیراً امام امت فرموده‌اند درست است که در درسیان بوده است ولی حکم که نکرده بودند.”

مهدی، کتی دبیر کل “جامعه روحانیت مبارز تهران” نیز موضع مشابهی گرفت و کوشید به نحوی از احمیتی که جناح مقابل بر این نامه خمینی قائل شد، بکاهد. وی در مصاحبه‌ای با “تهران تایمز” گفت: “به نظر من پاسخ حضرت امام به نامه آقای خامنه‌ای نظر جدید حضرت امام نبود. یعنی اگر کسانی با نظریات امام در کتاب حکومت اسلامی، ولایت فقیه ایشان آشنا باشند می‌بایستد این پاسخی که امام فرمودند عین همان نظریاتی است که امام در آن کتاب نوشتند اما چون بعضی‌ها ایشان رفته بود و یا آن کتاب را مطالعه نکرده بودند فکر کردند که امام چیز تازه‌ای را گفتند.” مهدی، کتی چهره معروف جناح “فقه سنتی” افزود: “سهم است که نظریات حضرت امام مبنی بر این نیست که ولی امر می‌آید و می‌گوید که مضاربه و مزارعه در اسلام اصلاً منسوخ است.”

یک چنین چیزی را پیغمبر هم نمی‌تواند بگوید تا چه رسد به یک فقیه

سایر سخنجویان و بلندکوبان جناح “رسالنی” هم وقتی از “شوکه” وارده به خود آمدند، سعی کردند عواقب ضربه وارده را به کمترین میزان ممکن محدود کنند. خود خامنه‌ای به توبه کتبی سپس ایراد مقلد در باب “اهمیت حکومت” در نماز جمعه دوم بهمن‌ماه روی آورد. صافی، دبیر شورای نگهبان، داماد آیت الله گلپایگانی و بازتاب دهنده فقرات وی، نزد خمینی رفت و با اعلام وفاداری، این امتیاز

بقیه در صفحه ۵

سمینار ائمه جمعه برای بررسی موضع گیری خمینی

"انقلابش" را انجام داد. در این سمینار علاوه بر سران ائمه جمعه، صائمی امام جمعه موقت قم، موسوی نخست‌وزیر و توکلی مسئول دفتر خمینی نیز به سخنرانی پرداختند. گردهم آبی تهران پیش از دوروز ادامه یافت. قطعنامه پایانی در هفت بند صادر و در آن "صراحت و روشنی" پاسخ خمینی به خامنه‌ای مورد تأکید واقع شد. خمینی در نامه خود، از ائمه جمعه خواسته بود "مساله ولایت فقیه را تعقیب و برای ناآگاهان روشن کنند."

رسانه‌های دولتی هیچ گونه اشاره‌ای به حضور خامنه‌ای، امام جمعه تهران و یا موضع گیری وی در قبال سمینار ائمه جمعه نکردند.

روز دوشنبه ۲۸ دیماه، ائمه جمعه سراسر کشور در تهران در محل ساختمان کمیته مرکزی پاسداران گردهم آمدند تا نظرات خمینی در قبال اظهارات خامنه‌ای پیرامون مساله ولایت فقیه را بررسی و تبیین کنند. سخنران اول این سمینار، مشکینی امام جمعه قم و رئیس مجلس خبرگان بود. وی با اشاره به عدم جدایی "دین از سیاست" و "حدود و ثغور حکومت اسلامی"، "ولایت مطلقه فقیه" را از مبانی اولیه حکومت اسلامی خواند. سخنران بعدی موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و نفر سوم، طاهری امام جمعه اصفهان بود. طاهری ضمن تأکید بر "مظلومیت دولت"، اظهار کرد که خمینی باید لحظه به لحظه جلو می‌آمد اما صبر کرد و سرانجام

آزمون دانشگاه‌ها، دامی سر راه دانش آموزان برای کشاندن به چینه

چیز و ظرفیت پذیرش بهمن ماه (نیمسال دوم تحصیلی) باشند و این دسته حق انتحاب و استفاده از ظرفیت پذیرش همراه را ندارند. بنابه اظهارات معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش، محدودیت و ضوابط فوق شامل "رزمندگان" نمی‌شود و داوطلبانی که تا ۲۱ شهریور ۶۷، حداقل ۶ ماه در جبهه حضور داشته باشند مشمول تمام مزایای "همیه رزمندگان" خواهند بود.

طبق ضوابط فوق دانش آموزان کلاس چهارم بر سر این انتخاب قرار داده می‌شوند که بعد از ثبت نام در اسفندماه، تا ۲۱ شهریور و در صورت تجدید، تا بهمن‌ماه با ۶ ماه حضور در جبهه، چنانچه کشته نشوند، از "همیه رزمندگان" برخوردار گردند. به "رزمندگان" نیز همه گونه قول قبولی داده می‌شود.

پاداشت تبادل اطلاعات ائمه تهران، اسلام آباد امضا شد

مفاد یادداشت آبان‌ماه سالجاری طرفین را که خود ابروانی آن را امضا کرده بود به وی یادآور شد.

ابروانی در این دیدار با اشاره به موافقت نامه مالیاتی شرکت مشترک کشتیرانی "فرندشپ" حمل‌کالا از بندر کراچی و صادرات غیرنفتی، اظهار امیدواری کرد که با پیگیری‌های خود به عنوان مسئول اجلاس مشترک دو کشور، زمینه اجرای یادداشت منعقد را فراهم سازد. وزیر اقتصاد و دارایی همچنین تأکید کرد "ایران آمادگی دارد بیشتر از توافق حاصله در سومین اجلاس کمیسیون مشترک، شفت مورد نیاز پاکستان را تأمین کند."

م هفته گذشته در پایان اجلاس هیات‌های کارشناسی سه کشور جمهوری اسلامی، پاکستان، ترکیه (آکو) یک یادداشت تفاهم همکاری در زمینه تبادل اطلاعات ائمه و علمی و مسایل دریایی به امضا رسید. همزمان با حضور هیات کارشناسی جمهوری اسلامی در اسلام‌آباد، یک هیات پارلمانی ایران نیز سرگرم دیدار و گفتگو با مقامات پاکستانی بود. در این ملاقات‌ها روابط دو جانبه و مسایل افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

پیش از سفر هیات ایرانی به پاکستان، تنویر احمد خان سفير پاکستان در تهران با ابروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی دیدار و عدم اجرای

مسئول اداره‌ای که در آن کارمند "بدحجاب" باشد به زندان محکوم می‌شود

خواهد شد. سرپرست دادرسی انقلاب اسلامی همچنین گفت: "در راستای این شرح برنامه‌ها، تعزیر، جریمه نقدی و انفصال ۶ ماه تا ۲ سال و اخراج دائم برای افراد شاغل و برای کسانی که شاغل نیستند تا ۵ سال محکوم به محرومیت از اشتغال به اجرا در خواهد آمد." طبق سخنان وزیر، قروشدگان پوشاک نیز مشمول طرح مبارزه با بدحجابی خواهند بود.

وزیر، سرپرست دادرسی انقلاب اسلامی هفته گذشته در سخنان اعلام کرد: "با اجرای طرحی بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، به زودی با عاملین متکرات در تهران برخورد قاطع و قانونی خواهد شد." وی توضیح داد طبق طرح مذکور، از این پس "چنانچه در اداره‌ای یا فرد بدحجابی مواجه شویم، مسئول آن اداره نیز به دلیل عدم کنترل دقیق به یک سال تا سه سال زندان و انفصال خدمت محکوم

۶ درصد محصول گندم کشاورزان کشور در خطر نابودی است

به نظر کارشناسان وزارت کشاورزی، چنانچه با افت سن گندم مبارزه جدی و هماهنگ صورت نگیرد، ۶۰ درصد محصول گندم اسال کشاورزان از بین خواهد رفت.

در این زمینه، هفته گذشته اوسوی روابط عمومی اداره کل کشاورزی استان تهران اطلاعیه‌ای صادر شد و در آن نظر کارشناسان مبنی بر شیوع آفت سن غلات در کلیه استانهای کشور تأیید گردید. در این اطلاعیه آمده است: مهار و کنترل آفت سن در سالهای اخیر در بعضی مناطق با مشکلاتی روبرو بوده و حتی در تهران نیز عایه آن مبارزه پیچیده شده است. براساس این اطلاعیه، عدم تدارک خدمات و تأمین هواپیماهای سمپاش یکی از علل شیوع و گسترش این آفت بوده که در شرایط فعلی نیز فقدان همین تجهیزات، مهار آن را مشکل‌تر ساخته است. طبق نظر کارشناسان در صورت غفلت و عدم مهار شیوع روزافزون این آفت در مزارع گندم، خطر نابودی محصولات ابعاد وسیعتری خواهد یافت.

ولایتی به منظور تدارک سفر تورگوت اوزال به آنکارا می‌رود

خبرگزاری رویتر به نقل از منابع وزارت امور خارجه ترکیه اعلام کرد علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، ماه آینده به منظور انجام مذاکره با مقامات ترکیه راهی آنکارا خواهد شد. بنا به گزارش رویتر، سفر ولایتی در بهمن‌ماه صورت خواهد گرفت و در پی آن تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه، از تهران دیدار خواهد کرد.

ولایتی علاوه بر تدارک سفر اوزال به تهران، قرار است در آنکارا با معودیلما وزیر امور خارجه و سایر مقامات ترکیه نیز دیدار کند. در این دیدارها، چنگ ایران و عراق، مبادلات تجاری و موضوع خط لوله نفت اموافق مدیترانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت. قرارداد ۴ میلیارد دلاری خط لوله نفت ایران - ترکیه دو هفته پیش در آنکارا به امضا رسید. یکی از اهداف سفر اوزال به تهران امضای سند نهایی این قرارداد است که ارزش آن به تنهایی دو برابر حجم مبادلات فعلی تهران و آنکارا است.

باز هم اعداد خیابانی

در هفته گذشته جبراز سه اعداد خیابانی در تهران ظرف سه روز دادیم، اعدادی که رژیم با کمک آنها می‌کوشد ضمن سوء استفاده از چشم و ثغرت به حق مردم از تروریستهای بمب‌گذار، جنایات خود و به ویژه اعدام زندانیان سیاسی را توجیه کند.

در روز دوشنبه ۲۸ دیماه نیز به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، یک نفر در میدان نمین (توپخانه) تهران سه تن دیگر در باختران در ملاعام به دار آویخته شدند. اتهام این چهار تن جاسوسی برای عراق و بمب‌گذاری بوده است.

ادامه عملیات جنگی در خلیج فارس و در جبهه های جنگ

کمیونست سنا با تحریم رای گیری پیرامون تقاضای دولت رم برای تسویب بودجه واحد نیرو، دریایی این کشور در خلیج فارس توانستند مانع تصویب این بودجه در مجلس قانونی ۶ روزه شوند. اکنون دولت ایتالیا ناچار است تقاضای میندیدی به پارلمان ارائه دهد.

در هفته گذشته یزد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد پیشنهاد از سرگیری سفرهایش به تهران و بغداد و میانجیگری برای برقراری آتشبس، گفت تنها به شرطی آماده از سرگیری مذاکرات است که جمهوری اسلامی عراق به وی اعطای دهنده مأموریت او چشم انداز موفقیت دارد. یزد و کوئینار که پس از بازگشت محلاتی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل از تهران با وی مذاکره کرد، افزود: "منی خواهم از من بعنوان وسیله ای برای ائتلاف وقت و یا در حالیکه تغییر واقعی صورت نمیگیرد، برای وانمود کردن اینکه تغییری در حال انجام است، استفاده شود." همچنین یک دیپلمات عالی رتبه سازمان ملل اظهار داشت یزد و کوئینار پس از چند بار تلاش برای میانجیگری، دیگر گمان نمیکنند میان جمهوری اسلامی و عراق توافقی برای پایان دادن به جنگ حاصل شود.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی

مرگ بر خمینی



کشتی حامل سنگ آهن برای عربستان سعودی بود. روز شنبه ۴ بهمن "قایق های تندرو" سپاه پاسداران با حمله به یک نفتکش دانمارکی، برآمار کشتی هایی که طی هفته در خلیج فارس هدف قرار گرفتند، افزودند.

عراق نیز در روز جمعه سوم بهمن ماه، خبر از حمله به یک "هدف بزرگ دریایی" در سواحل ایران داد. منابع کشتیرانی گزارش دادند این حمله متوجه کشتی نیروی "ماروپیل" بود. این کشتی از ترمینال نفتی "جیل علی" در دوی کاز مایع بار زده و عازم بندر عباس بود که در تنگه هرمز مورد حمله قرار گرفت.

در هفته گذشته کزارشی از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد انتشار یافت که در آن شمار حملات به کشتی های غیرنظامی در خلیج فارس در سال ۱۹۸۷، ۱۶۷ مورد اعلام شده است. این رقم در مقایسه با رقم مشابه سال ۱۹۸۶، یعنی ۱۰۱ مورد، بیش از ۶۰ درصد افزایش نشان می دهد.

ژیر و وزیر دفاع فرانسه در هفته گذشته اعلام کرد "بخشی" از سه کشتی مین بایی که این کشور در ماه سپتامبر به دریای عمان فرستاده بود، متعلقه را ترک کرده است. وی افزود در مقایسه با تشنجات میان فرانسه و جمهوری اسلامی در تابستان گذشته و در هنگام اعزام ناوگان فرانسه به خلیج فارس، اوضاع آرامتر شده است. ژیر و از پاسخ به سوالاتی در مورد احتمال فراخواندن ناو هواپیمابر "کلیانتر" از منطقه خودداری کرد. همچنین روزنامه تایمز چاپ لندن گزارش داد، بریتانیا، بلژیک و هلند درصددند شمار کشتی های مین بای خود در خلیج فارس را به نصف کاهش داده و مابقی کشتی ها را تحت یک فرماندهی مشترک قرار دهند. در ایتالیا، نمایندگان

از سرگیری حملات قایق های تندرو از ایران و هواپیماهای عراقی به کشتی های غیرنظامی در خلیج فارس، که خبر آن در شماره گذشته درج شد، طی هفته گذشته نیز ادامه داشت. در جبهه زمینی نیز بنا به گزارش های منتشره از سوی ایران و عراق تبادل آتش در جبهه های شمالی و میانی برقرار بود. اخبار رادیو جمهوری اسلامی حاکی از آن بود که نیروهای رژیم ضمن تداوم عملیات در منطقه ظفر ۵، به عملیات تازه ای به نام "بیت المقدس ۲" دست زده اند. این عملیات روز جمعه در منطقه جبهه شمالی اطراف استان سلیمانیه اجرا شد. طی هفته گذشته در حالی که رسانه های رژیم در تهران خبر از کشته و زخمی و اسارت "هزاران عراقی" در این عملیات می دادند، عراق اخبار مذکور را تکذیب کرد و اعلام داشت مخالفتی که جمهوری اسلامی ادعای تصرف آنها را دارد، کماکان در کنترل نیروهای عراقی است. جمهوری اسلامی مدعی است که در عملیات بیت المقدس ۲، ۱۲۰ کیلومتر از خاک عراق را اشغال کرده است.

روز پنجشنبه اول بهمن ماه رژیم عراق اعلام کرد نیروی هوایی این کشور در حمله سنگینی به جزیره ایرانی لوان تاحیات نفتی این جزیره را به آتش کشیده است. در این زمینه در اخبار جمهوری اسلامی هیچ گونه گزارشی ارائه نشد.

به گزارش منابع کشتیرانی در نامه پایتخت برین، "قایق های تندرو" جمهوری اسلامی به تلافی حمله عراقی ها، روز جمعه سوم بهمن اشتباها به کشتی نیروی نه گان یونان و پرویان برای ایران حمل می نمود، حمله کردند. چند ساعت بعد نیز، کشتی باری "توپاز" که با پرچم پاناما حرکت می کند، هدف آتش قایق های سپاه پاسداران قرار گرفت. این

"ولایت مطلقه"

بقیه از صفحه ۲

را گرفت که خمینی بگوید "نهاد شورا، نهادهای همیشه مورد تایید اینجانب بوده است و به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد". روزنامه رسالت، متوسل به "قرار به جلو" شد و سلسله مقالات مفصلی درباره "تغذیرات حکومتی" و "حکم حکومتی" به قلم آدوی قبی به چاپ رساند. این روزنامه در بالای سرمقاله اش نوشت: "عاشق بر قهر و بر مهرش به جد - ای عجب من عاقل این مردود" و تاکید کرد هر قدر هم از خمینی سرزنش بشنود، نسبت به او وفادار خواهد ماند. برخی از آخوند های "رسالتی" هم کوشیدند لبتیو "تغذیرات حکومتی" را به طرف رقبای برگردانند و در مورد دودیهای وابستگان به جناح مقابل در دستگاه دولتی، دست

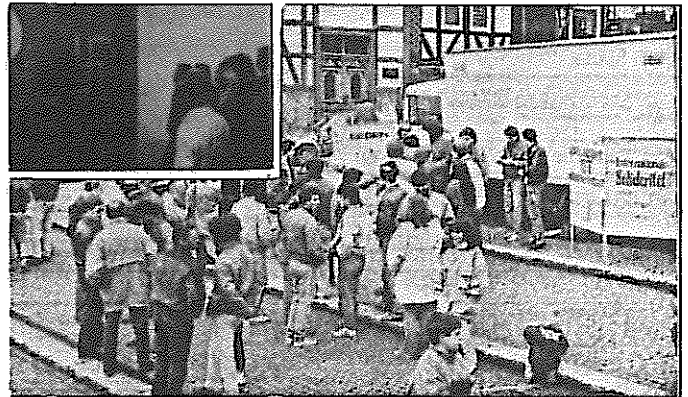
به افشاگری زدند. (مقاله "رقابت ها از غارتگری ها برده بر می گیرد" را در همین شماره بخوانید)

در بالا کوشیدیم در ادامه مقالات شماره های اخیر، فشرده ای از رویدادهای مربوط به کمک های درون حکومتی در دوره اخیر و نتیجه ای که فعلا از آن حاصل شده است، ارائه دهیم. این کمک ها با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس، کماکان ادامه خواهد یافت. تجربه چند ساله نشان می دهد که عامل تعیین کننده سرشوت مبارزه و جناح، یعنی موضع گیری خمینی، عامل ثابتی نیست که همواره و در همه جا، به سود یک جناح عمل کند. در این زمینه دستور بنیینی به مجلس در سال ۶۲ که صریحا گفت مجلس نباید قوانینی را تصویب کند که شورای فکتهان آن را لغو خواهد کرد، قابل یادآوری است. در حال حاضر، خمینی صلاح را بر این دیده است که بر اساس ارزیابی خود از

مصلح کل رژیم، او یک جناح حمایت کند، ضمن آنکه نمی خواهد کار به حذف جناح مقابل بکشد. در کمک معینی که بر سر اختیارات دولت در عرصه اقتصاد جاری است، موضع گیری صریح خمینی میدان مینور را برای یک جناح باز کرده است. انگیزه این اقدام، تثبیت کل رژیم سرکوبگر و پاسدار غارت سرمایه داری است. به نظر می رسد جناح طرفدار غارت لحام کسینخته و بدون هیچگونه محدودیت نیز، اگر "هم ضرورت زمان" را که خمینی تشخیص داده است، در نیافته باشد، لافل حاضر است به حکم او گردن نهبد. "ولایت مطلقه" خمینی اکنون ظاهرا مورد پذیرش آنهایی نیز هست که تا دیروز، "رساله عملیه" را بالاترین حکم که چیزی نمی تواند آن را نقض کند، می دانستند. خمینی به آنها فهمانده است که حفظ حکومت چهل و چنانیت، مهمتر از هر دکم مذهبی، و مهمتر از

منافع اقتصادی کوتاه مدت "تبار محترم" است. "ولایت مطلقه"، و به ویژه طرح آن در شرایط کنونی، در شرایط "درماندگی مطلق" رژیم در جنگ، در شرایطی که اگر تغییری صورت نگیرد، شیرازه اقتصاد از هم خواهد پاشید و رکار به "لغیان فقرا" خواهد کشید، در شرایطی که نفرت مردم از رژیم آخوندی پیوسته فزونی می گیرد، بازتاب ضعف رژیم است و نه قدرتش. خمینی در شرایطی مانند لوئی چهاردهم، پادشاه مستبد فرانسه می گوید "دولت یعنی من" که این دولت، در ژیر بار پیستی که خود ایجاد کرده، کمر خم کرده است. آیا "ولایت مطلقه" در نجات خود از این فلاکت موفق خواهد بود؟ پاسخ این پرسش، برای کوتاه مدت هر چه که باشد، در نهایت منفی است. رژیم ولایت فقیه هرگز نخواهد توانست بهران خود و بهران نظام غارتگر سرمایه داری را حل کند.

«آدولف اینجا بود»



بود" در حرکت اعتراضی پناهندگان، تعداد زیادی اعلامیه توضیحی، شعر مهاجر از برشت، و اعلامیه‌ای حاوی عکس‌های مشاهیر آلمانی همچون آلبرت اینشتین، زیگموند فروید، توماس مان، برتولت برشت، ویلی برافت و... که در زمان سلطه فاشیسم خودپنهنده سیاسی بودند توزیع گردیدند.

به دنبال حمله گروهی از نژادشکنها به خوابگاه مدرسه پناهندگان در شهر وولف‌هاگن آلمان فدرال یک حرکت اعتراضی ضد فاشیستی از سوی پناهندگان ایرانی و افراد آلمانی شکل گرفت. نژاد پرستان فاشیست ضمن حمله خود بر دیوار نوشته بودند "آدولف اینجا

تروویست‌های خمینی در پاکستان

۲ - احمدپور (یکی از همدستان مژدوران قربانی انفجار بمب در هتل بلوم استار-کوئته)
۳ - محمدعلی کشاورز (عضو سپاه پاسداران و همدان-بلوچستان)
۴ - حاجی باقر (یکی از مژدوران رژیم در چاه‌بهار)
۵ - سراج (از شکنجه‌گران رژیم در همدان)
۶ - حکیم تیموری (از مژدوران رژیم در بسیج عشایر و از مسئولین به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در همدان)

تروویست‌های صادراتی رژیم خمینی که در تاپستان گذشته پاکشته و زخمی کردن چند تن از پناهندگان ایرانی در کوئته و کراچی فاجعه آفریدند، اکنون در صدد اجرای توطئه‌های جدیدی هستند. حکومت جفاپیکار جمهوری اسلامی که صدای مخالفین را در خارج از مرزهای ایران هم نمی‌تواند تحمل کند، با صدور تروویست‌های خودپنهنده کشورهای مختلف و شغاسایی مبارزین ایرانی در این کشورها تلاش می‌کند تا در صورت امکان علاوه بر زود بند با رژیم‌های ارتجاعی و دول امپریالیستی، راسانیو عرصه افشاگرتهای سیاسی نیروهای مرفی ایرانی را تفکک کند.

در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۵ آذرماه شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان (کراچی) با ارسال نامه سرکشاده‌ای به مسئولین دفتر شعبه پناهندگان سازمان ملل در کراچی (UNHCR)، تحت عنوان "در باره تحرکات تروریستی مژدوران رژیم حاکم بر ایران در پاکستان" آبان را در جریان خبر اعزام تعدادی از مژدوران جمهوری اسلامی جهت اجرای یک سری عملیات تروریستی" در پاکستان قرار داد. در این نامه که بخشی از آن در بولتن شماره ۲۲ کافون پناهندگان ایرانی - کراچی نیز چاپ شده، آمده است: "تعدادی از افراد این باند تروریستی مدتی قبل از طریق مرزهای زمینی پاکستان، احتمالاً برای شناسایی اولیه تعدادی از پناهندگان و آوارگان، بالاحص هموطنان بلوچ، وارد شهر کراچی شده بودند، هم اکنون برای مرتبه سوم است که این مژدوران در شهر کراچی و عمدتاً در مناطق لیاری، لالوکی، لی‌مارکی و ناظم آباد مشاهده شده‌اند. نام تعدادی از تروویست‌های صادراتی رژیم، که اخیراً در خیابان‌های کراچی دیده شده‌اند به شرح زیر می‌باشد: ۱- امینی رئیس سپاه پاسداران پیشین- بلوچستان)

انتخابات و جناحها، انتخابات جناحی

بقیه از صفحه آخر

محتشمی در این باره گفت: "سلامت کار-مقدمات انتخابات به هماهنگی میان قوه مجریه و هیاتهای شورای نگهبان در جهت اجرای نظریه فقیه مربوط است. قوه مجریه و شورای نگهبان دوبال یک پرده قوی هستند که باید این دوازده‌وی پر قدرت در یک جهت که همان جهت حق است حرکت کنند و اینفلور نباشد که یک بال این پرده قوی به یک طرف و بال دیگر بطرف دیگر حرکت کند."

مهدوی کنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران در مصاحبه‌ای با تهران تایمز، که در روزنامه رسالت ۲۱ دیماه با زتاب یافت، ضمن پذیرش مسئولیت وزارت کشور، وزیر کشور و قوه اجرائی را به عدم بی‌طرفی متهم می‌کند و می‌گوید: "وزارت کشور مسئولیت رسمی دارد. اگر سخن وزیر کشور یا استانداری یک جهت‌گیری خاصی باشد، پیداست از همین حالا بی‌طرف نیست." دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران در عین حال برای تبلیغات روحانیون، محدودیت کمتی قائل است و در این خصوص اظهار می‌کند: "روحانیون مسئولیت رسمی ندارند." وی همچنین احتمال ائتلاف با دفتر تحکیم وحدت و ارائه یک لیست ائتلافی را غیرممکن اعلام می‌کند.

در این میان، خانجالی، جلال دلفک رژیم و معارض جناحی جناح رسالت، خواهان علنیت در مذاکرات مخفی بر سر لیست‌های ائتلافی شد و طی سخنانی در مجلس گفت: "من از آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی که در راس روحانیت مبارز تهران قرار دارند خواهش می‌کنم که جلسات سری تشکیل دهند بلکه جلسات علنی باشد، افکار معین باشد. در آینده اگر کاندیدا می‌دهند کاندیداهایشان را بگویند که این عقیده آقای هاشمی و آقای خامنه‌ای و آقای مهدوی کنی است و یک مساله مجلسی در کار نباشد." (کیهان ۲۲ دی)

حساسیت انتخابات سومین دوره مجلس برای دست اندرکاران حکومت، حساس بودن مقدمات آن را باعث شده است و این خود به معنای تشدید درگیری و تقابل درون حکومتی، به معنای بازتاب علنی اختلافات، به معنای کنار رفتن باز هم بیشتر پرده‌ها، به معنای آگاهی بیشتر مردم است.

حکومتی به پست‌ها و مواضع "استراتژیک در تأثیرگذاری بر امر انتخابات و ترکیب هیئت‌های نظارت بر انتخابات چشم دوخته‌اند. در چنین فضائی امامی کاشانی رئیس هیئت نظارت بر انتخابات، سپنار ۲ روزه‌ای از هیئت‌های نظارت شورای نگهبان بر انتخابات سومین دوره مجلس ترتیب می‌دهد و در این سیفار صریحاً به واقعیت جناحی بودن اقدامات مسئولین رژیم اعتراف می‌کند. وی گفت: "از هر استانی ۵ نفر به عنوان نظارت بر انتخابات از سوی شورای نگهبان منصوب شده‌اند که این عده از نقاط مختلف کشور انتخاب شده‌اند و اهتمام بر این است که به هیچ وجه به هیچ جناحی گرایش نداشته باشند. اگر چنین موردی پیش آمد، سعی می‌کنیم یک نفر را که جناحین را قبول داشته باشد و ۲ نفر از یک جناح و ۲ نفر از جناح دیگر که به نحوی متعارض همدیگر نباشند را انتخاب کنیم." (رساله ۱۷ دیماه)

کنش جناحی بر سر انتخابات مجلس، به کنش کتونی جناحی در هیئت‌های نظارت برگزیده از سوی شورای نگهبان مفرج شده است. ۲۰ نفر از یک جناح و ۲ نفر از جناح دیگر به شریکی که این ۲ نفر یک جناح به "نحوی متعارض همدیگر نباشند" و ۱ نفر میان جناحین.

اما مشکل جناحی با "دستیابی" به این فرمول خنثی بر طرف نمی‌شود. مسئله پیش از اینکه برگزیدگان و منصوبین "هیاتهای نظارت انسانها" باشد، حدود اختیارات و اعمال نظر شورای نگهبان و وزارت کشور است. خامنه‌ای رئیس جمهور بر نقش بیشتر شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات تأکید می‌کند و آشرا یگانه نهاد صالح در این امر معرفی می‌شاید. خامنه‌ای در این باره گفت: "بخاطر سلامت انتخابات شورای نگهبان بر آن نظارت می‌کند و شاید هیچ نهادی در هیچ جائی وجود نداشته باشد که به اندازه شورای نگهبان ضریب اطمینان مردم را ایجاد کند." خامنه‌ای در عین حال جناح مخالف را تهدید کرد و گفت: "هر کسی که بخواهد این جو را ناسالم کند... محکوم است" مقابلاً محتشمی وزیر کشور، با افزایش نقش وزارت کشور در امر نظارت بر انتخابات از شورای نگهبان می‌خواهد تا هماهنگی با قوه مجریه را بنه‌د و از اقدامات - کاملاً مستقل - پرهیز کند.



يک کودک ۱۲ ساله معتاد

روحیه آنها را تشویب می کند که هیچ تضمینی جهت مبارزه واقعی شان با هیولای اعتیاد وجود نداشته باشد. شورآباد یک زندان واقعی است. معتادینی که ترک اعتیاد می کنند، پس از آزادی از مرکز اعتیاد، عموماً از امکان بدست آوردن تغذیه و ادامه زندگی با حداقل امکانات زیستی محروم اند. آنها در کرداب بیکاری، فقر و گرسنگی رها می شوند و بسیاری شان مجدداً از زندگی می گریزند و به اعتیاد پناه می آورند. در مراکز "بازپروری"، معتادینی دیده می شوند که بیش از ده بار ترک اعتیاد کرده و مجدداً معتاد شده اند!

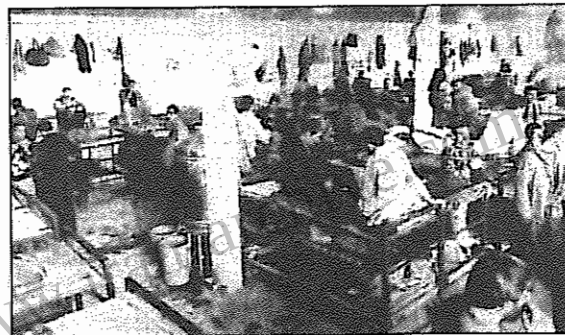
مدیرکل دفتر سرپرستی و ارشاد سازمان بهزیستی می گوید: "در حال حاضر ما این امکان را نداریم که بعد از خروج فرد معتاد از مرکز بازپروری، فاکتورهایی را که در بیرون از جامعه باعث شده است که فرد به اعتیاد کشیده شود از بین ببریم... آری، در جمهوری اسلامی "امکان" از بین بردن این "فاکتورها" وجود ندارد و هیچگاه نیز بوجود نخواهد آمد. جمهوری اسلامی خود مسبب اصلی رواج اعتیاد و قاچاق مواد مخدر است. فشار شدید مالی و تکنیکی در سایه حکومت خمینی بسیاری از معتادان را به قاچاق مواد مخدر وامی دارد. همسر یکی از معتادین "شورآباد" در گفتگو با خبرنگار کیهان مورخ ۲۴ دی ۶۶ می گوید: "شوهرم از اول معتاد بود ولی تا وقتی که با چرخ دستی کار می کرد، فقط خودش می کشید ولی وقتی مامورین چرخشو گرفتند شروع کرد به پخش مواد."

نظام جمهوری اسلامی همواره به تولید و بازنویس اعتیاد می پردازد. معتادان نه اسیران اعتیاد که در واقع اسیران پاسداران نظامی هستند که جز بیکاری، فقر، گرسنگی، بی خانمانی و بی عدالتی هیچ دستاورد دیگری برای توده های مردم نداشته است.

بمقابله یکی از نتایج اجتناب ناپذیر آن نگرینست. در کشور ما اعتیاد بمقابله یک بیماری مهلک اجتماعی عموماً برچان افشار تشنگست و محروم جامعه چنگ انداخته است، زیرا هم اینانند که بیشترین محرومیت را متحمل می شوند و دردها و مشکلاتشان پایان ناپذیر است. نگاهی به گزارشات درج شده در نشریات رژیم در ارتباط با مواد مخدر در صفحه حوادث روزنامه ها نشان می دهد که اغلب اسیران اعتیاد از افشار تشنگست و از ساکنین محله های فقیرنشین تهران اند؛ یک دختر ۲۰ ساله معتاد پرورش یافته در یک خانواده فقیر شغل پدر فروگر. یک پسر ۲۲ ساله معتاد، از اهالی جوادیه، شغل پدر خیاز. دو برادر ۱۲ ساله و ۱۶

در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران شیش، تریاک و مروئین به فراوانی یافت می شوند. کافی است که معتاد پول کافی جهت پرداخت بخرای مواد مورد نیاز خود داشته باشد. به گفته یک معتاد "اگر چه خیابان چمشید (تهران) امروز خیابان دیگری است، نام دیگری هم دارد... اما امروز هم می توان در این خیابان راحت مواد مخدر تهیه کرد." براساس گزارشی در کیهان: قیمت یک بسته ۵ سانتی مروئین به قیمتی حدود یک پنجم چند ماهه قبل رسیده است. این ارزشی ناشی از فراهم آمدن زمینه های وسیع تر جهت وارد کردن یا تولید مواد مخدر و در نتیجه عرضه بیشتر آن در جامعه است.

اسیران اعتیاد



آسایشگاه معتادین در یک "مرکز بازپروری"

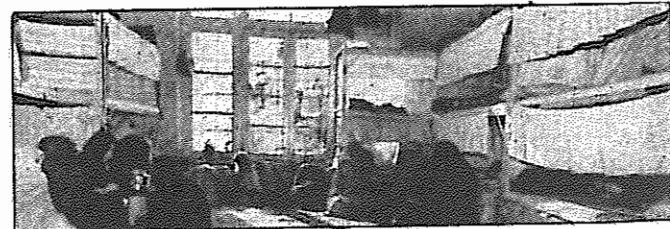
ساله معتاد که در خاک سفید مروئین توزیع می کردند. یکی از ایندو می گوید "مادرم معتاده، پدرم وقتی زنده بود حمای می کرد." یک زن معتاد ساکن خیابان چمشید سابق که از کودکی در خانواده آن معتاد بزرگ شده...

به همین ترتیب نسبت معتادان در مناطق محروم کشور ما نسبت به سایر مناطق بیشتر است و از اینروست که اعتیاد به مواد مخدر در شهرهایی همچون زاهدان چنان فراگیر می شود که حکومتیان آنرا بهشت معتادان می نامند.

در جمهوری اسلامی بجز زندانهای رسمی، زندان های دیگری نیز به نام مراکز بازپروری معتادان وجود دارد که او آن جمله اند مرکز کار درمانی کل تپه و مرکز بازپروری شورآباد. به گفته ساکنین مرکز بازپروری شورآباد، این مرکز گنجایش ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر را دارد اما هم اکنون بیش از ۲۰۰۰ نفر معتاد را در آن گنجانیده اند. این اسیران اعتیاد از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی محروم اند و فشارهای روانی ناشی از یک زندگی دشوار در شورآباد چنان

در جمهوری اسلامی نیز همچون رژیم سلطنتی جوانان قربانیان مقدم اعتیادند. بنابه اعتراف دست اندرکاران و از جمله مسئول زندان های عمومی و مواد مخدر استان تهران و حومه: "الان قشر جوان بسیار به اعتیاد کشیده می شود. جوانان ۱۹-۱۸ ساله بسیاری الان گرایش به مواد مخدر دارند."

ناهنجاری های اجتماعی منتج از نظام سرمایه داری، در سال های اخیر به علت استقرار استبداد مذهبی و گسترش اختلاف، افزایش عظیم بیکاری و جنگ خائمانسوز رشد سرسام آوری داشته اند. این ناهنجاری ها چنان شرایط زیستی و روانی دشواری را به جوانان تحمیل کرده اند که به گسترش اعتیاد می باید



زندان معتاد در یکی از بندهای زندان قصر

بقیه از صفحه اول
قالب هراسان شرافتمندی به سختی فشرده می شود.

بنابه آمار دایره بین المللی کنترل مواد مخدر وابسته به سازمان ملل متحد، طی سالهای ۶۲-۶۳ در ایران حداقل ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و ۱۰۰ هزار نفر به مروئین معتاد بوده اند. این ارقام طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته اند و اکنون در سال ۶۶ ابعادی به مراتب وسیع تر یافته اند. وقتی که تنها در روستای یامبی در ترکمن صحرا ۵۰ درصد جوانان و میانشالان و از جمله زنان معتاد و بعضاً عامل فروش مواد معتادند (اکثريت ۱۹۰)، وقتی که در خیابانهای زاهدان، کتبد و محلاتی مانند خاک سفید و خیابان چمشید سابق، چهره اعتیاد در هر کوچه و کناره نمایان است و عاملین توزیع و فروش در کارند، به آسانی می توان ابعاد هولناک این فاجعه اجتماعی را دریافت. و باز به آسانی می توان رد پای دست اندرکاران حکومتی و ارگان ها را در گسترش و توزیع اعتیاد و مواد مخدر مشاهده کرد.

طبق اظهارات رئیس اداره امنیت و قاچاق ژاندارمری کشور، طی سال های پس از سرنگونی رژیم سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی حجم کشفیات و تعداد متهمان دستگیر شده در رابطه مواد مخدر نسبت به سال های قبل از آن "تا ۵۰ درصد افزایش داشته است." (کیهان ۲۳ دی ۶۶) این افزایش ۵۰ درصدی در حقیقت حاکی از رشد پانصد درصدی اعتیاد بمقابله یک بلای زندگی سوز اجتماعی است. چرا که ابعاد اعتیاد و قاچاق مواد مخدر طی این سال ها نه تنها کم نشده، بلکه به مراتب وسیع تر از گذشته شده است. اظهارات مسئولین مربوطه و اخبار مندرج در صفحات روزنامه های حکومتی نیز گویای این واقعیت اند.

نه مصوبه شورای انقلاب مبنی بر ممنوعیت کشت خشخاش و نه چارو جنجال های دلقک مسخره ای چون خلخال جلاد و نه تهدیدها و خط و نشان کشیدن های مراوگامی مسئولین حکومتی هیچیک قادر به جلوگیری از روند اوج گیرنده اعتیاد نبوده اند.



مهمت کاراجا

قائم مقام حزب کمونیست ترکیه

* اعلام تشکیل حزب متحده کمونیست در ترکیه و اقدام دودبیرکل چه تاثیر، بر روی طبقه کارگر ترکیه به جا نهاد؟

* وحدت جنبش کمونیستی کام مهمی در راستای وحدت طبقه کارگر است. اگر اشتباه نکنم در کشورهای مختلفی در آستانه انقلابات چنین وحدتی بین کمونیستها برقرار شده است. اما ما در شرایط دیگران به امر وحدت، تحقق بخشیدیم. این حرکت هم برای خود ما مهم بود، هم برای کل جنبش کمونیستی. وحدت دوحزب سمرقانی است برای همه نیروهای چپ و ترقیخواه در ترکیه. در کشور ما نیروهای چپ شدیداً دستخوش تفرقه اند. این امر بدان منتهی شده است. که چپ در اختیار عمومی چهره چندان خوبی نداشته باشد. در چنین فضایی، اقدام ما در جهت وحدت، بازتاب نیرومندی در میان طبقه کارگر و نیز همه نیروهای دموکراتیک و روشنفکر، یافته است. وحدت نه فقط خواسته کمونیستها، بلکه خواسته کل نیروهای دموکراتیک است. ما تا کنون تصویر انتساب و تفرقه را به نمایش نهاده ایم، اکنون باید سیمای وحدت و جنبش خود را بنمایانیم.

* جنبش بین المللی همبستگی با کوتلو، سارکین و دیگر زندانیان سیاسی در ترکیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

* مساله حقوق بشر را صرفاً در سطح ملی نمی توان مورد بررسی قرار داد. این یک مساله بین المللی است. واضح است که همه نیروها نخست باید به خاطر صلح، دموکراسی و حقوق بشر در کشور خودشان بپروند. ما در کشور خودمان چنین مبارزه ای را پیش می بریم و حرکت اخیر ما در این زمینه مورد حمایت همه نیروهای دموکراتیک در عرصه بین المللی قرار گرفته است. همبستگی با ما به عنوان

کنوانسیون پایبند است؟
* امضای کنوانسیون مذکور موفقیتی برای مردم ترکیه است. رژیم این کنوانسیون را امضا کرد، نه به آن دلیل که معتقد است باید به شکنجه زندانیان خاتمه داد. اقدام رژیم، که نوعی ظاهرسازی است، اقدامی از سراجبار بود.

* اما رژیم اکنون دستخوش یک دوگانگی است. اگر کسی قرارداد منع شکنجه را امضا کند، باید مساله کنترل و بازرسی را بپذیرد و بنابراین رژیم اگر کنوانسیون را زیرپا بگذارد، دیگر یک طرف قرارداد محسوب نمی شود.

* ترکیه بیستمین کشوری است که این کنوانسیون را امضا می کند. تا پیش از این، ترکیه و ایرلند، دو کشوری بودند که در چارچوب پارلمان اروپا از امضای این قرارداد، سرباز می زدند. رژیم ترکیه به اختیار خود، کنوانسیون منع شکنجه را امضا نکرد. اکنون هفت سال است که خلق ترکیه مساله شکنجه در زندانها را مطرح می کند و صدای خود را به خارج از مرزها رسانده است. هرگاه در مورد زیرپا گذاشتن حقوق بشر در کشور ما سخن می رود، نخست موضوع شکنجه مطرح می شود. موضوع به حدی مطرح است که اپوزیسیون قانونی در اولین اجلاس پارلمان ترکیه شدیداً از حکومت انتقاد کرد که چرا قرارداد منع شکنجه را امضا نمی کند. بدینسان می بینیم که رژیم به خاطر اعمال شکنجه هم اِذ داخل و هم از خارج زیر فشار بوده است.

* اما چه فایده؟ شکنجه که همچنان اعمال می شود.

* ما هنوز نمی دانیم که کنوانسیون منع شکنجه چگونه در عمل پیاده خواهد شد و چه کنترلی در این زمینه برقرار خواهد گردید. ما باید در عمل ببینیم که آیا این کنوانسیون در ترکیه اعتباری دارد یا نه. بنابراین متوزرود است که دست به یک قضاوت قطعی نزنیم. اما در مورد خود شکنجه در هفت سال گذشته رفقا و همزمان ما در زندان ثابت کرده اند که اراده انسانی بر شکنجه نیز پیروز می شود. امروز نیز ما همین سخن را تکرار می کنیم.

مصاحبه با مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه

مهمت کاراجا: اراده انسانی بر شکنجه پیروز می شود

انتقال یافته است.
مضمون اقدام شجاعانه کوتلو و سارکین چه بود؟ اکنون جنبش دموکراتیک در ترکیه در چه موقعیتی قرار دارد؟ ظاهرسازی هایی همچون امضای قرارداد منع شکنجه از چه موضعی صورت گرفته است؟ مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه در مصاحبه ای با روزنامه "وارهایت" (حقیقت) ارکان حزب سوسیالیست متحده برلین غربی، به این پرسش پاسخ گفته است. در زیر گزیده ای از این مصاحبه را می خوانید.

بسیاری در میان همه اقشار خلق، پشتیبانی وسیعی از حرکت ما به عمل آوردند.
* اکنون در ترکیه، جنبش برقراری دموکراسی در چه وضعیتی است؟

* در ظاهر امر، ترکیه دیگر آن ترکیه سه سال یا پنج سال پیش نیست. اما بی گرد و دستگیری همچنان برقرار است، دادگاههای نظامی و امنیتی همچنان کار خود را می کنند، قانون مربوط به اتحادیه ها و سندیکاها هم سرچای خود باقی است. ساخت حکومتی، که با کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ شکل گرفت، دست نخورده باقی مانده است. اما اگر اوضاع را با سه سال یا پنج سال قبل مقایسه کنیم می بینیم که در سطح یک روند برقراری دموکراسی در جریان است.

حیات حاکمه در ترکیه با خود چنین حساب می کند، ما ساخت دولت را آنگونه که هست حفظ می کنیم و تنها در این چارچوب گامهایی را به سمت دموکراسی برمی داریم. اما در عوض، نیروهای دموکراتیک می کوشند این چارچوب را در هم بشکنند. اقدام کوتلو و سارکین حرکتی بود در این جهت. ما می خواهیم چارچوبه مقرر کنانده شود و روند برقراری دموکراسی یک گام کیفی به جلو بردارد. به نظر ما اقدام کوتلو و سارکین در خدمت ایجاد این تحول کیفی بود.

* رژیم آنکارا کنوانسیون منع شکنجه پارلمان اروپا را امضا کرده است. آیا رژیم اوزال حقیقتاً به این

سه هفته پیش رژیم ترکیه قرارداد منع شکنجه پارلمان اروپا را امضا کرد. دو هفته پیش مهمت کاراجا قائم مقام دبیرکل حزب کمونیست ترکیه در مصاحبه با تلویزیون آلمان دموکراتیک اعلام کرده بودی که کوتلو و سارکین در حزب کمونیست ترکیه و نیهای سارکین دبیرکل حزب کارگر ترکیه که در تاریخ ۱۶ نوامبر سال گذشته به ترکیه بازگشتند، در یک بیدادگاه، محاکمه خواهند شد و خبر هفته پیش این بود که رفیق کوتلو برای بار دوم به اثر شکنجه و فشار در زندان دچار سکته قلبی شده و به بیمارستان

* از دوماه پیش تاکنون، حیدر کوتلو و نیهای سارکین در زندان رژیم ترکیه گرفتارند. خیلی ها می پرسند، آیا اصولاً بازگشت این دودبیرکل به ترکیه اقدام صحیحی بود؟

* هنگامی که کمیته های مرکزی دو حزب تصمیم گرفتند کوتلو و سارکین به ترکیه بازگردند، برای کمان نبودند که نتیجه سهل الوصولی بی آمد این اقدام خواهد بود. اقدام با مخاطره همراه بود، همانگونه که دیدیم، اما برای این که در هموار کردن راه دموکراسی در ترکیه نقش خود را ایفا کنیم می بایست چنین تصمیمی اتخاذ می کردیم. این وظیفه ما بود که چنین گامی را برداریم. هدف این اقدام صرفاً قانونی کردن جنبش کمونیستی در ترکیه نیست. اگر هدف را تنها قانونی کردن بگذاریم، از زاویه تنگی به مساله نگاه کرده ایم. این گامی بود برای زدودن همه آن موانعی که بر سر راه برقراری دموکراسی گذاشته اند. ما به این اعتبار بر این عقیده ایم که تصمیم درستی اتخاذ کرده ایم.

ثانیاً، ما موفق شدیم توسطه سکوت در زمینه مبارزات کمونیستها را، که از ۶۵ سال تاکنون فعالیتشان غیرقانونی اعلام شده است، درهم بشکنیم و مساله حزب متحد کمونیستها را در اذهان عمومی، مطرح کنیم.

یک نکته دیگر که دلیلی بر صحت تصمیم گیری ماست از عده محدودی که بکدریم افراد و جریانهای

توب عليه خرد

نوشته: بهوگلی کورشونف

فیز خود دچار مصیبت مشابهی شده است. در سال ۱۹۸۶ درآمد نفتی عراق یک چهارم مقدار آن در سال ۱۹۸۰ بود. کل میزان کاهش درآمد ناخالص ملی دو کشور در جنگ هفت ساله حدود ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

در جریان "جنگ نفت کش‌ها"

از زمان آغاز آن تاکنون بیش از ۴۰ کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است.

در هفته‌های اخیر از تهران و بغداد خبرهای نگران‌کننده‌ای به گوش می‌رسد. می‌گویند ایران خود را برای یک حمله زمستانی آماده می‌کند، حمله‌ای که رسانه‌های خارجی بدان صفت "قطعی و نهایی" را داده‌اند. جمهوری اسلامی بر تبلیغات جنگی خود افزوده است. گفته می‌شود که ایران حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار سرباز در مرز جنوبی، در ناحیه‌ای مشرف به بصره، تمرکز داده است. دولتمردان و سرکردگان نظامی ایران تاکنون بارها و بارها دم از حمله "قطعی و نهایی" زده‌اند. رسانه‌های خبری غرب این تبلیغات را به عمد جدی می‌گیرند، آنها می‌گویند عراق در شرف سقوط است و "این به نفع غرب نیست" بنابراین باید نفت بیشتری بر آتش جنگ ریخت و کار، کرد که جنگ ادامه یابد. هدف این تلاش‌ها جلوگیری از تحقق مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ پوچ بین ایران و عراق است.

از سوی دیگر تلاش می‌شود که بر موضع شوروی در قبال این جنگ، سایه تردید و بدگمانی بیفکنند. در مورد موضع اتحاد شوروی دفتر مطبوعاتی وزارت خارجه شوروی اخیراً بازم بیانیه‌ای انتشار داد که در آن آمده است:

"موضع اصولی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در مورد ضرورت پایان دادن هر چه سریعتر به جنگ ایران و عراق همواره بلا تغییر بوده است. اتحاد شوروی قاطعانه از هر تلاشی که در راستای قطعنامه اخیر شورای امنیت باشد، پشتیبانی می‌کند. شوروی تأزماتی که تلاش‌های صلح‌جویانه دبیرکل سازمان ملل به مواضع عمده‌ای برخورد نکرده است برای طرح گام‌های آلترناتیو و از جمله بحث بر سر یک قطعنامه دوم که ناظر بر مجازات طرفی باشد که مفاد قطعنامه شورای امنیت را نمی‌پذیرد، ضرورتی نمی‌بیند." بنابراین اتحاد شوروی خواهان آن است که هر چه زودتر به این دیوانگی که به بهای جان صدها هزار نفر تمام شده است، نقطه پایان گذاشته شود.

کرده است که بر مبنای آن می‌توان نوجوانان بالای دوازده سال را از آغوش پدر و مادر درآورد و راغی، چینه ساخت تا از روی میادین مین بگذرند. بر کردن آنها کلیدهایی را آویزان کرده‌اند که ساخت تایوانند، جنشان اویلاستیک است و با آنها می‌توان در بهشت ربابا کرد.

اما آتش جنگ صرفاً بر اثر فتاتیسیم مشتعل نشد. به یک اعتبار آتش فتاتیسیم بر اثر جنگ شعله‌ور گردید. بین این دو یک ارتباط متقابل برقرار است که باعث می‌شود مدار جنون، بسته و خودکفا باشد. آخوندها طرفدار جنگند. جنگ اذهان را از فکر بر روی مسائل داخلی منحرف می‌کند، جلوی توجه متمرکز بر روی بیکاری و ورشکستگی اقتصادی، فقدان امنیت اجتماعی و مجموعه آرزوهای بر باد رفته را می‌گیرد. باعث می‌شود که انسان فتواته به آن مسائل مبرمی بیندیشد که اگر جنگ نبود، راه حل عاجلی را می‌طلبیدند.

هر روز که می‌گذرد، جنون جنگی قربانیان بیشتری به جا می‌نهد و مخارج بیشتری به بار می‌آورد. ارقامی که در مطبوعات ظاهر می‌شوند مدام فاجعه‌بار می‌شوند. بنابر برخی برآوردها جنگ برای ایران به بهای دادن ۷۰۰ هزار کشته، زخمی و اسیر تمام شده است. این رقم در عراق ۲۵۰ هزار نفر است.

اگر به منابعی که آمار بالا را ارائه داده‌اند اعتماد کنیم می‌توانیم همچنین از قول آنها بگوییم که از روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۱ شهریور - ۱۳۵۹) - که به گفته دولت ایران آغاز حمله عراق است) تا امروز، جنگ برای طرفین ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه دربرداشته. ۶۰ درصد این مخارج بردوش عراق سنگینی می‌کند که علاوه بر این "۳۵ میلیارد دلار از درآمد نفتی پیش از جنگ خود را به کام آتش داده" و اکنون ۵۵ میلیارد دلار به کشورهای دیگر بدهکار است.

در جنگ، هدفهایی که به نفع مربوط می‌شده‌اند، بیشترین آسیب را دیده‌اند. عراق بر روی انهدام تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌های ایران و قطع صدور نفت این کشور حساب کرده بود. بر اثر حملات عراق، ایران در فاصله بین سالهای (۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶) ۲۷۰ میلیارد دلار نفتی از دست داد. عراق

مطالب زیر فشرده مقاله ایست که در شماره آخر سال گذشته هفته‌نامه "عصر جدید" مسکو، چاپ شده است و نتایج گذرا به جنگ ایران و عراق انگیزه‌ها و نتایج آن دارد.

خارک بزرگترین پایانه نفتی ایران است که امروزه برای کشتی‌ها جای چندانی برای لنگراندازی ندارد. خبرنگار خبرگزاری رویتر در ابوظبی از قول افسر ملوان یک نفت کش وضعیت این جزیره را چنین توصیف می‌کند: "خارک آدم راه‌یاد برلین ۱۹۴۵ می‌اندازد." اکثر لنگرگاه‌های این جزیره به صورت ویرانه درآمده‌اند، برجها سقوط کرده‌اند، ساختمانها خراب شده‌اند و در همه جا تلهایی از لوله‌های درهم پیچیده شده و سنگ و شیشه به چشم می‌خورد.

گزارشهایی که خبرنگاران غربی از بغداد پس از حملات موشکی و با آن بصره که بطور مدام زیر آتشبار سنگین توپخانه جمهوری اسلامی قرار دارد، تهیه کرده‌اند نیز به همینسان دردناکند. یک صحنه جانفشان اصابت موشک به مدرسه‌ای در بغداد است. دانش‌آموزان خاموشی گرفتند و تقریر را به صدای وحشتناک موشک، وانهادند.

ارتش ایران بر روی حملات خود نامهای رمز مذهبی می‌گذارد: کربلای یک، کربلای دو و امثالهم. کربلا نام شهری است در عراق که شیعیان گرامیش می‌دارند. این شهر در قرن هفتم میلادی بنیاد گذاشته شد، در جایی که حسین فرزند علی امام شیعیان و شوه محمد یقین، به دست یزید کشته شد. این شهر یکی از زیارتگاههای شیعیان است. امروزه آخوندها در ایران از سربازان خود می‌خواهند این شهر را از جنگ حکومت سنی عراق درآورند و کلاشیعیان را از ویرستم سنی‌ها برهانند. چنین فراخوانی با استقبال آتشین متعصبین مواجه می‌شود.

فتاتیسیم (تعصب مذهبی) عامل مهمی در تداوم خورشیدی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق است. آخوندها به آنان که جوئشان در این قتلگاه بریزد، قول می‌دهند روانه بهشت شده و از عذاب زمین خواهند رست. آیت الله خمینی فتوایی صادر

«مقاله ایران و مہبستگی با نلسون ماندلا و مردم تحت ستم آفریقای جنوبی و ایران و مہبستگی با کلودمیر و آلیدار و مہ وئدانیان سیاسی در شیلی است. و متقابلاً جنبش مہبستگی با مردم آفریقای جنوبی، شیلی و ایران خود نوعی ایران و مہبستگی با مردم ترکیه است. مہبستگی، هم دارای وجه ملی و هم وجه بین‌المللی است.

* بسیاری از شهروندان ترکیه به دلایل سیاسی با اقتصادی در خارج از کشور، زندگی می‌کنند. رندهایی که در داخل کشور جریان دارد، چه تأثیری بر روی آنها به جامی‌گذازد؟ * * * امروزه ۲/۵ میلیون ترک در اروپای غربی به سر می‌برند. این عده بیشتر در آلمان فدرال اقامت دارند و برلین غربی جایی است که تمرکز ترکها در آنجا بیشتر از نقاط دیگر است. بسیاری از ایفان، مثلاً روستایی دارند و مطمئناً سطح فرهنگ دموکراتیکشان، هم‌تراز با فرهنگ اروپای غربی نیست. اما بی‌گمان آنها از طبقه کارگر اینجا، این فرهنگ را می‌آموزند و خود را بطور کیفی تغییر می‌دهند. ترکهای مقیم خارج نیز از حرکت ما وسیعاً پشتیبانی کردند، چرا که نتایج و سمت‌وسوی این حرکت همخوان با علایق آنهاست. آنها تحت ستم رژیم ترکیه‌اند. بسیاری از معولنان ما در سدیکاها و یادرچیش صلح‌فراوان و از مینور باب طبع رژیم نیستند. آنها در خارج، این موضوع را تجربه می‌کنند که کسی به خاطر نگرانی‌اش و یا فعالیتش در سازمانهای دموکراتیک مختلف دستگیر نمی‌شود. آنها به فکر ترکیه می‌افتند: در ترکیه چغین فعالیت‌هایی دستگیری و اسارت به دنبال دارد. آنها از این مقایسه به این نتیجه می‌رسند که در ترکیه باید وضعیت متحول شود.

بعد از کودتای ۱۹۸۰ بسیاری از شهروندان ترک تحت فشار کنسولگری‌های ترکیه قرار گرفتند، به عنوان مثال کلدرنامه‌شان را می‌گرفتند و پس‌فمی دادند. بسیاری از معولنان ما نمی‌توانستند به ترکیه باور کردند، چرا که امکان داشت دستگیر شوند. کسی هم که به ترکیه باور می‌گشت همواره در این هراس بود که بالاخره کی و به چه دلیلی راهی زندانش خواهند کرد. این معولنان اکنون می‌بفشد که حرکت رهبران دو حزب کمونیست و کارگر مستقیماً به نفع آنها بوده است و طبیعتاً از ما پشتیبانی می‌کنند. اگر حرکت ما به نتیجه برسد دیگر آنها تحت فشار کنسولگری‌ها نخواهند بود و خواهند توانست آزادانه به ترکیه سفر کنند.

به مناسبت سالگرد گذشت لنین و نخستین انقلاب خلقی عصر امپریالیسم

استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک

۲۱ ژانویه، شصت و چهارمین سالگرد درگذشت لنین کبیر، رهبر انقلاب
اکتبر و آموزگار بزرگ پرولتاریاست. آموزش‌های لنین در عرصه‌های مختلف
مبارزه طبقه کارگر، از ورای سال‌ها، با درخشندگی و جلای هر چه بیشتری رخ
می‌نماید.

ماه ژانویه همچنين يادآور آغاز نخستين انقلاب خلقی عصر امپرياليسم، انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ روسيه است. اين انقلاب هرچند به هدف اصلی خود، محو تزاريسم دست نيافت، اما يرولتاريا، رهبر جنبش انقلابی را پديد کرد و به تغيير لئين، تعريفی شد برای دو انقلاب بزرگ: انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و انقلاب کبير سوباليسټ، اکتبر، طبقه کارگر، روسيه در انقلاب ۱۹۰۵-۷ خود را و حزب

مبنای تدوین استراتژی و تاکتیک حزب پرولتری در نخستین انقلاب بورژوا - دموکراتیک عصر امپریالیسم را تحلیل دقیق مارکسیستی از واقعیات روسیه، مطالعه دقیق گرایشهای عمده در تحول جهانی، تعمیم و کار انتقادی بر روی میراث تئوریک و تجارب عملی جنبش بین المللی کارگری و جنبش دموکراتیک بین المللی و نیز تجارب پیکار رهاهی بخش در خود روسیه تشکیل می دهد. لنین - پیوسته تاکید می کرد: اگر در روسیه همان روتدهای اصلی رشد سرمایه داری دیده می شود که در غرب، اگر در برابر سببالیست ها و طبقه کارگر همان وتالیف اصلی قرار می گیرد دین امر به هیچ وجه نباید منجر بدان شود که "ویژگی های روسیه به فراموشی سپرده شوند و ویژگی های کسی که باید در ویژگی های برنامه ما بازتاب کاملی بیابد." (۱) بهشویکا ما پیش از آنکه رویدادهای تعیین کننده انقلاب صورت گیرد، به رهبری لنین، برنامه عمل انقلابی پیگیری را تدوین کردند که استراتژی و تاکتیک مبارزه پرولتاریا و همه زحمتکشان را تشکیل می داد. لنین به میزان عمده ای تئوری مارکسیستی را تکمیل بخشید و آنرا خلافتانه با شرایط نوین تاریخی تطبیق داد، پرولتاریای روسیه و جهان را به سلاح ایدئولوژیک مجهز کرد و از آموزش ترسک مارکس و انگلس در برابر اپورتونیسم راست و "چپ" دفاع نمود.

در این رابطه، مصوبات بلشویکی سوهین کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (ح. س. د. ک.) که لنین آن‌ها را تدارک دید و نیز کتاب او به نام "دوکانیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" نقش ویژه‌ای ایفا کردند. لنین در آخرین صورت کتاب، هسته اصلی فکرها را درباره وظایف طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک به رشته تحریر درآورد. وی نوشت: "در اس‌س همه خلّه و به ویژه دهمقانان - برای آزادی کامل، برای تحول پیگیر دمکراتیک، برای جمهوری ادراس همه زحمتکش و استثماردگان - برای سوسیالیسم! سیاست پرولتاریای، انقلابی درواقع باید چنین باشد. آن شعار طبقاتی که در هنگام انقلاب حزب کارگری حاکم و تکنیکی و هر کام عملی حزب کارگری حاکم و تغییرکننده آن باشد، همین است." (۲)

در جریان انقلاب، تفاوت بنیادین میان انقلابیون و اپورتونیست‌ها، و در حله نخست میان بلشویک‌ها و منشویک‌ها، که در همان تاسیس حزب در کنگره دوم ح. س. د. ک. در سال ۱۹۰۲ اعلام شد،

خود را شناخت و آزمون
دمکراتیک، که لغی آن
چریان آن تدوین کرد،
کارگری: مسائل تاریخ و

برای ارائه تحلیل نوینندگان این کتاب، از انقلاب ۷۰ تا ۱۹۰۷ روسیه ترجمه این فصل از کتاب را از نظر خوانندگان "اکثریت" می‌گذرانیم. کتاب "جنبش بین‌المللی کارگری: مسائل تاریخ و نظری" توسط هیاتانی از آکادمیسی‌های اتحاد شوروی به سرپرست، به ما ریف نگاشته شده است.

دید می‌شد و سپس پیوسته تحقیق یافته بود، آشکار شد. اختلاف اصولی در برخورد به واقعیات روسیه و تجارب پیشین مبارزه پرولتری، در همان نخستین ماه‌های انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ راجع به میان بلشویک‌ها و منشیویک‌ها بازتاب برجسته‌ای یافت. این مجادله از بحث در این مورد آغاز شد که آیا سوسیال دموکراسی باید پس از سرنگونی حکومت مطلقه در دولت موقت انقلابی شرکت کند یا نه، و به اختلاف نظر در مورد پویایی روند انقلاب پی‌روزمند دموکراتیک، نیروهای محرکه، وتالیف و چشم‌انداز استراتژیک آن انجامید.

منشویسم به طور عینی بدین منجر می‌شود که طبقه کارگر دنباله‌رو بورژوازی لیبرال بشود، و مانع حل مسائل اصلی فراروی پرولتاریا و توده‌های ستمدیده زحمتکشان بود. بلشویسم طبقه کارگر را بدان جهت ست می‌داد که پیشاهنگ جنبش کل خلق باشد، از هر طریق توان انقلابی همه تیره‌های واقعا ترقی‌خواه کشور را گسترش می‌داد و از آن بدون محدودیت بهره‌رکفت.

نقبن نشان داد که استدلال منشویک‌ها که به
قوانین انقلاب‌های بورژوازی اروپا استناد
می‌کردند، به کلی بی‌بایه و غیر علمی است. وی در
بهار ۱۹۰۵ موقیعت روسیه را با موقیعت ۱۸۴۸ آلمان
مقایسه کرد و به برخی ویژگی‌های انقلاب روسیه
رسید: "... (۱) - انباشت خشم و روحیه انقلابی در
طبقات پایینی روسیه به گونه‌ای غیر قابل قیاس بیشتر
است ... در ژوند ما، تحول **لذللر** است، میان حکومت
مطلق و آزادی سیاسی هیچ گوشه مرحله گذار نبوده و
نیست (زمستوو به حساب نمی‌آید)، استبداد از نوع
آسیایی بکر است. (۲) - جنگ فلاتک آور، در کشور ما
فرهنگی **ناگهانی** را محتمل‌تر می‌کند، زیرا حکومت
تزاری را به بن‌بست می‌کشاند. (۳) - آرایش قوای
ببین‌المللی در مورد ماساعدتر است، زیرا
پروولتاریای اروپا مانع کمک‌رسانی سلاطین اروپا به
سلطنت روسیه خواهد شد. (۴) - احزاب انقلابی آگاه،
ادبیات و ساژمان یافتگی آنها ژوند ما به گونه‌ای غیر
قابل قیاس پیشرفته‌تر از ۱۷۸۹، ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱
است. (۵) - شماري از ملیت‌های تحت ستم تزاریسم،
لهستانی‌ها، فیلاندی‌ها و غیره، در کشور ما به مبارزه
با حکومت مطلق نیروی ویژه‌ای می‌بخشند. (۶) - وضع
دهقانان در کشور ما بسیار بد است، آن‌ها بسیار
فقیرترند و دیگر مطلقاً چیزی ندارند که از دست
دهند." (۲) همه این عوامل موجد آن بود که انقلاب
بورژوازی روسیه می‌بایست، راه خود را می‌گفت،

را می که با راه انقلاب های بورژوازی دوران سرمایه داری "آزاد" تفاوت می کرد.

لنین در مبارزه با منشویسم، راه‌ده دیالکتیکی میان مضمون اجتماعی-اقتصاد، انقلاب و نیروهای محرکه و شیوه‌های مبارزه آن را که برای تئوری مارکسیستی اهمیت ویژه‌ای دارد تشریح کرد و توضیح داد که پاسخ به مسئله دوم نتیجه مستقیم پاسخ به مسئله اول نیست. لنین نوشت انقلابی که در روسیه در پیش است، از لحاظ مضمون اجتماعی-اقتصادی، بورژوازی خواهد بود، یعنی به‌طور مستقیم به پایه‌های نظم بورژوازی آسیب وارد نخواهد کرد و تضادهای جامعه سرمایه‌داری، از جمله تضاد اصلی آن، تضاد کار و سرمایه را فتنه‌ها از میان نخواهد برد، بلکه برعکس، عمیق‌تر و حادث‌تر خواهد کرد. اما این همه به هیچ وجه بدین معنی نیست که - آنگونه که منشویک‌ها معتقد بودند- بورژوازی نیروی محرکه انقلاب شود. در عصر امپریالیسم نه تنها یک دگرگونی در شکل، که در دوره اول به سود سرمایه‌داران بزرگ، مانند کاران بزرگ و ملاطین «متجدد» بود، بلکه علاوه بر آن تحول دگرگاتیک گسترده‌ای که در خدمت کارگران و دهقانان بود، امکان‌پذیر بود.

شکل تاریخی مشخصی که تحول بورژوا-دمکراتیک در روسیه به خود می‌گرفت، می‌بایستی در تحلیل نهایی نتیجه مبارزه بر سر مضمونی در جنبش‌های بخش، میان پرولتاریا و بورژوازی، نتیجه مبارزه برای جلب توده‌های دهقانی، را تعیین می‌کرد.

مشى سياسى بلشويکها بر اين اندیشه استوار بود که پرولتاريا نيروى همون پيکار رهايى بخش است. لنين به گونه‌اى قانع کننده نشان داد: هيچ کس بيش از پرولتاريا در پيروى تهييج کننده انقلاب پروژوايى ذبيح نيست، ويرا اين انقلاب به تنها حقوق دمکراتيک و دستاوردهاى اجتماعى (آزادى سخن، آزادى تشکيل، آزادى تجمع، روزگار هشت ساعته وغيره) براى اوبه ارقمان خواهد آورد، بلکه همچنين پيش شرطهاى لازم مبارزه براى سوسياليسم را ايجاد خواهد کرد. در اين رابطه لنين نوشت که پرولتاريا عارى از هر گونه "خودخواهى" بلطياتى است و نه در راه منافع تشکيل نظرانه صفى بلطيقه خود، بلکه براى منافع کل خلق مى‌رزد و ساييده گسترده ترين افشار شده‌هاى زمينش در شهر و روستا و هر يک ايدئولوژيک کار، دمکراسه است.

اما موقعیت، البته کارگر در نظام تولید اجتماعی
در ساختار اجتماعی کشور و نزدیکی منافع آن
به منافع سایر طبقات و اقشار در حاکمیت تنها امکان عیناً

مژمونی پرولتاریا در جنبش رهایی بخش فراهم می‌آورد. برای تبدیل این امکان به واقعیت، پیشروترین طبقه می‌بایست اعتماد و پشتیبانی اقشار غیر پرولتری مردم و حاکمیت روسیه را جلب کند، اتحاد، مستحکم با آنها (یعنی با دهقانان) ایجاد کند، در اس مبارزه آنها با نظم استبدادی قرار گیرد، تلاش متقابل بورژوازی لیبرال برای کسب رهبری سیاسی توده‌ها را فلج سازد و آن را از توده‌ها جدا کند. حزب بلشویک عهده دار وتلیفه دشورا تمغیه دمکراسی نبرده بورژوازی از "آلودگیهای غیر دمکراتیک" و مبارزه با لیبرالیزم و توهیات مشروطه خواهانه شد. بنابراین در برابر پرولتاریا و پیشاهنگ مارکسیستی آن، مبارزه پیچیده بر سر رهبری جنبش دمکراتیک قرار داشت، مبارزه‌ای که در آغاز قرن بیستم مانند خط‌سرخ از سر تاریخ سیاسی روسیه می‌گذرد.

در تحلیل لنین، مژمونی پرولتاریا با تاثیر گذاری مداوم، عمیق و همه جانبه طبقه کارگر بر رشد و چشم اندازهای روند انقلابی است. این مژمونی تحت رهبری مستقیم حزب مارکسیستی پرولتاریا تحقق می‌یابد، مژمونی پرولتاریا به صورت دیگری قابل تحقق نیست. لنین می‌آموزد که طبقه رهبر بدین معنی است که نه تنها شدیدترین و فداکارانه ترین مبارزه با حکومت خودکامه و یوغ سرمایه به پیش برده شود، بلکه به خلق آگاهی انقلابی داده شد. خلق به شرکت فعال در زندگی سیاسی برانگیخته شود و در برابر اقدام زورگویانه و ناعادلانه علیه ستم‌کنان و انکسارشان داده شود هم‌چنین این وتلیفه طبقه رهبر و حزب او است که اهداف انقلاب را به لحاظ تئوریک دریابد، شعارهای لازم را فرموله کند، موثرترین اشکال و شیوه‌های مبارزه انقلابی را برگزیند. پرولتاریا و پیشاهنگ مارکسیستی آن، جنبش توده‌های غیر پرولتری و به‌ویژه دهقانان را به لحاظ ایدئولوژیک و سازمانی رهبری می‌کند. این رهبری ضرورت ناکارگر دارد، زیرا دهقانان پراکنده و سازمان نایافته‌اند، به نژاد دلتی گرایش دارند و نیز به لحاظ سیاسی رشد نایافته‌تر از آنند که بتوانند در مبارزه با حکومت خودکامه و نظام ملاکی مستقلا به پیروزی دست یابند.

لنین این مسئله را که در انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی متحد طبقه کارگر کیست، با دقت کامل مطرح و حل کرد. ممکن بود از منطبق تاریخ این نتیجه را بتوان گرفت که این متحد در انقلاب بورژوازی، به اصطلاح دمکراسی بورژوازی است. اما این دمکراسی در عصر امپریالیسم دیگر پدیده یکپارچه‌ای نبود و به گونه‌ای بازگشت ناپذیر به بورژوازی لیبرال، که در برابر آن پرولتاریا می‌بایست تاکتیک سیاسی منفرد کردن را در پیش می‌گرفت، و دمکراسی خرده بورژوازی و به‌ویژه دهقانی، دمکراسی انقلابی، تجزیه شده بود. دمکراسی انقلابی در مبارزه با حکومت خودکامه متحد پرولتاریا بود. بنابراین پرولتاریا نباید به دنبال توافق با بورژوازی، بلکه باید در پی اتحاد با نیروهای چپ، دمکراسی انقلابی خرده بورژوازی، و به‌ویژه دهقانان می‌بود. لنین دهقانان را بورژوازی انقلابی - جمهوری خواه می‌نامید. بدین ترتیب "تاکتیک بلوک چپ" که در انقلابات پیشین هم نمونه‌هایی داشت، به مهمترین قانونمندی عام جنبش رهایی بخش تبدیل شد. بنابراین، پیروزی خود انقلاب بورژوا دمکراتیک وابسته به موفقیت این اتحاد گسترده مبارزاتی میان دمکراسی پرولتری و خرده بورژوازی و توافق‌های سیاسی مشخص مبتنی بر آن میان احزاب و سازمان‌های مختلف انقلابی در مبارزه با تزاریم بود. خدمت تاریخی لنین این بود که با تاکتیک "بلوک چپ" که بعدها در جنبش بین‌المللی

کارگری نیز پذیرفته شد، به نحو درخشانی مشی نقش رهبری پرولتاریا در انقلاب را پدیدارانه دنبال کرد. لنین در توضیح ماهیت تاکتیک بلشویکی نوشت: "هر چه انقلاب بورژوازی پیش‌تر رود، پرولتاریا متحدان خود در میان دمکراسی بورژوازی را در سمت چپ‌تری جستجو خواهد کرد و هر چه عمیق‌تر از بخش‌های فوقانی آن به سمت لایه‌های پایینی خواهد رفت... انقلاب بسیار پیش‌رفته است. رهبران دمکراسی بورژوازی کناره‌گیری خود را از انقلاب آغاز کردند. لایه‌های پایینی رفته رفته بیدار شدند. پرولتاریا آغاز به این کرد که (برای انقلاب بورژوازی) در لایه‌های پایینی دمکراسی بورژوازی برای خود متحدینی جستجو کند." (۴) در این رابطه لنین پیوسته تاکید می‌کند: پرولتاریا تنها تا جایی و زمانی از دمکراسی بورژوازی پشتیبانی می‌کند که این دمکراسی در عمل با حکومت خودکامه برزمد.

بلشویک‌ها بر آن بودند که در مرحله دمکراتیک انقلاب، کل دهقانان متحدان پرولتاریا هستند. دهقانان علیرغم قشر بندی اجتماعی پیشرفته در میان خود، کماکان به مثابه طبقه‌ای واحد و یک صنف علیه بزرگ مالکی عمل می‌کردند. خواهان محو کامل آن بودند و آماده بودند از مالی "همه زمین‌ها به مثابه یک شعار حمایت کنند. در پی نیروهایی خلق موفق می‌شدند، این امر می‌تواند امکان آن را فراهم آورد که انقلاب بورژوازی در روسیه بسیار فراتر از آن حدی رود که انقلاب‌های بورژوازی در غرب، مانند فرانسه، پیدان رسیده بودند. اما آنچه مهم‌تر از همه است، این است که در صورت پیروزی خلق، فرارویی تحول بورژوازمکراتیک تحول سوسیالیستی بسیار سهل‌تر امکان پذیر می‌گردد. لنین در اثر خود بنام "د تاکتیک دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" هسته اصلی دیالکتیک فرارویی یک روند به دیگری را تبیین کرد و نوشت: پرولتاریا باید انقلاب دمکراتیک را به آخر برساند بدین‌طریق که توده دهقان را به خود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلق را جبراً منکوب و ناپیگیری بورژوازی را فلج سازد. پرولتاریا باید انقلاب سوسیالیستی را به انجام برساند بدین‌طریق که توده عناصر نیمه پرولتاریای اهالی را به خود ملحق کند تا بتواند نیروی مقاومت بورژوازی را جبراً درهم شکند و ناپیگیری دهقانان و خرده بورژوازی را فلج سازد." (۵)

دقیقا از همین رو لنین برای کار تبلیغی و سازماندهانه پرولتاریا و حزب آن در روستا و نیز تدوین یک برنامه دهقانی درست اهمیت زیادی قائل بود. در سومین کنگره ج. س. د. ک. ر. هنگامی که روشن شده بود مبارزه دهقانان برای زمین، خصلت یک انقلاب گسترده دهقانی را به خود می‌گیرد و مبارزه برای بازپس دادن اراضی غصبی دهقانان به عنوان شعار دیگر کافی نیست، تصمیم گرفته شد از همه خواست‌های انقلابی دهقانان تا حد مصادره کامل زمین‌های ملاکان، دولت، کلیسا، صومعه‌ها و اشراف با تمام نیرو حمایت شود. قطعنامه کنگره حاوی این خواست بود "تشکیل فوری کمیته‌های انقلابی دهقانی برای انجام همه دگرگونی‌های انقلابی - دمکراتیک لازم جهت رهایی دهقانان از یوغ پلیس، ماموران دولتی و زمینداران." او آشبا که سازمان طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا، مشی همیشگی بلشویک‌ها بود، در کنگره بار دیگر بر این ضرورت تاکید شد که کار در این راستا ادامه یابد. (۶)

مصوبات کنگره سوم در کنفرانس تامرفورس بلشویک‌ها در دسامبر ۱۹۰۵ تثبیت و تکمیل شد. در کنگره چهارم ج. س. د. ک. ر. در سال ۱۹۰۶ لنین برنامه دهقانی مفصلی ارائه کرد که هدف آن،

حد اکثر استفاده از توان مبارزاتی دهقانان در انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود. به خواست‌های قبلی بلشویک‌ها مبنی بر مصادره اراضی ملاکان بزرگ و برکساری کمیته‌های دهقانی برای استفاده از اراضی، این خواست نیز اضافه شد که زمین‌ها ملی شود، یعنی (تحت شرایط معینی) به مالکیت دولت درآید. لنین نوشت: در سیاست مانند سراسر زندگی اجتماعی این اصل صادق است. هر کس به پیش‌ترود، واپس رانده خواهد شد. یا بورژوازی که پس از دگرگونی دمکراتیک نیرو گرفته است (طبیعی است که این دگرگونی بورژوازی را تقویت می‌کند) همه دستاوردها را از توده‌های کارگران و دهقانان خواهد ربود - و یا پرولتاریا و توده‌های دهقانی راه خود را به پیش می‌مورد خواهند کرد. این، به معنای جمهوری و حاکمیت کامل خلق است. این بدین معنی است: در شرایط کسب جمهوری، ملی کردن اراضی به مثابه حد اکثر پیشروی تحول بورژوازی دمکراتیک، به مثابه گام طبیعی و ضروری به پیش، به سوی پیروزی دمکراتیسم بورژوازی برای آغاز مبارزه اصلی در راه سوسیالیسم." (۷)

بلشویک‌ها در مقابل به برنامه ارضی انقلابی لنین، یک برنامه رفرمیستی و غیر قابل تعاونی کردن ارائه کردند. این برنامه پیشبینی می‌کرد به زمین دهقانان چیزی افزوده نشود، اراضی ملاکان در دست تعاونی‌هایی قرار گیرد و این تعاونی‌ها زمین را به دهقانان اعاده دهند. این برنامه ضرورت اصلی یک کمونیسم را به شکل قرون وسطایی بزرگ ملاک‌ها را در نظر گرفت و حل مسئله دهقانی را در راه برای دمکراتیزه کردن کل نظام اجتماعی - سیاسی کشور می‌گرفت، قرار دادی کمک به اعتلای جنبش تاسیس می‌شود، آن را محدود به روستاها و اراضی دهقانان و عرصه‌های فعالیت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان و مربوط به سرکوتی حکومت مطلقه را. (۸)

اگر چه بلشویک‌ها با این برنامه متعالف بودند اما در مسئله دهقانی نظر واحدی نداشتند. بسیاری اندیشه ملی کردن را رد می‌کردند و خواهان آن بودند که اراضی ملاکان تقسیم شود و به عنوان ملک خصوصی در اختیار دهقانان قرار گیرد. این نظر که می‌خواست سهمی بودن زمین حفظ شود، این امر را نادیده می‌گرفت که این شکل مالکیت بر زمین، از قرون وسطی به جا مانده بود. اما علیرغم این ناپیگیری، برنامه "تقسیم کفندگان" دارای مضمون انقلابی - دمکراتیک بود زیرا می‌خواست بزرگ مالکی را براندازد. زمانی که روشن شد در کنگره برنامه ملی کردن تصویب نخواهد شد، لنین رای خود را به "تقسیم کفندگان" داد. اکثریت کنگره او برنامه تعاونی کردن حمایت کرد. اما بلشویک‌ها توانستند در قطعنامه کنگره خواست مستقیم مصادره اراضی (به‌ویژه خرده ملاکان) و نیز این خواست را که از اقدامات انقلابی دهقانان تا حد مصادره اراضی ملاکان حمایت شود، وارد کنند. (۹)

بلشویک‌ها برای این امر اهمیت زیادی قائل بودند که اقشار گسترده جمعیت خرده بورژوازی شهری و نیز روشنفکران دمکرات و دانشجویان را به سمت پرولتاریا جذب کنند. این اقشار فعالانه در مبارزه با حکومت مطلقه شرکت می‌کردند و در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ حدود ۲۲ درصد کل "مجرمین سیاسی" از میان آن‌ها بودند. (به انقلابیونی که در آن زمان محاکمه می‌شدند، این عنوان اطلاق می‌شد.) (۱۰)

پایه در صفحه بعد

استراتژی و تاکتیک مبارزه...

بقیه از صفحه قبل

جنبش رهایی بخشی ملی خلقی تحت ستم امپراتوری روس نیز جنبی از جریان بزرگ مبارزه با نظام خودکامی بود. توده‌های زحمتکش این خلق‌ها بخش انکارناپذیری از اردوی انقلابی - دمکراتیک با ترکیب بین‌المللی بودند و به اتفاق کارگران و دهقانان بر تزاریسم و بورژوازی ضربه وارد می‌آوردند. از این گذشته این خلق‌ها با فتودال‌های "خودی" نیز مبارزه می‌کردند.

ولتیه پیشاهنگ طبقه کارگر این بود که تا حد امکان، همه این نیروهای انقلابی را متحد سازد، سازماندهی کند و برای قیام مسلحانه آماده نماید. حزب بلافاصله پس از حوادث ۹ ژانویه، قیام به مقابله و ولتیه عملی مبارزه را شعار خود قرار داد، و گفتار سوم ح. س. د. ک. ر. مصوبه‌ای ویژه گذراند که در آن آمده بود تدارک همه‌جانبه ایدئولوژیک، سازمانی و نظامی - فنی قیام، از مهمترین و میرم‌ترین وظایف سازمان‌های بلشویکی است. لنین پرولتاریا را فراخواند که همه اشکال مبارزه طبقاتی را فرآگیرد و از آن‌ها به موقعیت استفاده کند. لنین نیروی ویژه‌ای به مطالعه مسائل مبارزه مسلحانه اختصاص می‌داد. "ایلیچ نه تنها همه آنچه را مارکس و انگلس در باره انقلاب و قیام نوشته بودند خوانده و به دقت در باره آن اندیشیده بود، بلکه حتی برخی آثار در مورد فن جنگ را مورد مطالعه قرار داده، فن و سازماندهی قیام مسلحانه را از همه جوانب بررسی کرده بود." (۱۱)

مارکسیست‌ها هیچ‌گاه شیوه‌های مبارزه مسلحانه را مطلق نکردند. مارکس با این سخنان حکومت‌های بورژوازی را مخاطب قرار داد: "مادر جایی که برایمان امکان داشته باشد، از راه مسالمت آمیز، و هرگاه لازم شود، با سلاح با شما خواهیم جنگید." (۱۲) لنین، که گویی این اندیشه را تکمیل می‌کرد، در سال ۱۸۹۹ اظهار داشت طبقه کارگر طبقه ترجیح می‌دهد قدرت را از طریق مسالمت آمیز کسب کند (۱۳). اما در آغاز قرن بیستم، تناسب قوای واقعی در داخل کشور و در جهان به گونه‌ای بود که مبارزه میان حکومت خودکام و خلق در روسیه تنها می‌توانست با تعرض مسلحانه طبقات تحت‌ستم فرجام یابد.

در بهجوجه قیام خلق، می‌بایست تکلیف مهمترین مسئله هر انقلاب - قدرت دولتی - روشن می‌شد. لنین می‌گفت به رسمیت شناختن انقلاب و سخن گفتن از آن کافی نیست، بلکه باید همچنین تعیین کرد از کدام طبقه باید قدرت سلب شود و کدام طبقه یا طبقات باید در رأس دولت قرار بگیرد. در غیر این صورت، انقلاب، شعاری توخالی و بی‌محتوات. لنین برمی‌ضای تناسب قوای جدید طبقات و با رهنمون قراردادن این اندیشه که پرولتاریا باید در انقلاب بورژوا - دمکراتیک رهبری را برعهده داشته باشد، به روشنی این نتیجه‌گیری بسیار مهم را فرموله کرد: در روسیه، انقلاب پیرومند بورژوا - دمکراتیک نه آن‌سان که در همه انقلابات بورژوازی پیشین - بورژوازی، بلکه پرولتاریا و دهقانان را به قدرت خواهد رساند و با برپایی دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک این دو، به اوج خواهد رسید. لنین نوشت: "...تحقق دگرگونی‌هایی که برای پرولتاریا و دهقانان ضرورت فوری و گریزناپذیر دارد، مقاومت سرسختانه هم ملاکان و هم بورژوازی بزرگ و تزاریسم را برخواهد انگیخت. بدون دیکتاتوری، درم شکستن این مقاومت و دفع حملات ضد انقلاب ناممکن خواهد بود." (۱۴)

لنین تاکید می‌کرد از نقطه نظر آموزش مارکسیستی مبارزه طبقات این دیکتاتوری در مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک کاملاً تحقق‌پذیر است، چرا که در مبارزه برای تحولات بورژوا - دمکراتیک، مفاعیل بنیادی پرولتاریا و دهقانان به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر برهم منطبقند.

لنین مهمترین خصوصیات دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را تدوین کرد. اولاً این دیکتاتوری، نه یک دیکتاتوری سوسیالیستی، بلکه یک دیکتاتوری دمکراتیک است که از تحولات اجتماعی - اقتصادی بورژوازی مستقیماً فراتر نمی‌رود و تنها برنامه حداقل ح. س. د. ک. ر. را تحقق می‌بخشد: تجدید توزیع اراضی به سود دهقانان، دمکراتیزه کردن عمیق نظام سیاسی، بهبود اوضاع کارگران و غیره - یعنی هنوز پایه‌های سرمایه‌داری را دست‌نخورده می‌گذارد. دقیقاً همین امر در شعارهای بلشویک‌ها تبلور می‌یافت: جمهوری دمکراتیک، روزگار مشت‌ساعته، مصادره اراضی ملاکان.

ثانیاً اگرچه پرولتاریا در این دیکتاتوری قدرت را با جرده بورژوازی، و عمدتاً با دهقانان، تقسیم خواهد کرد، اما این دیکتاتوری تنها با نقش رهبری پرولتاریا بر پایه هم‌موشی آن در جنبش رهایی‌بخش قابل تصور و تحقق است.

ثالثاً، همانگونه که لنین بارها تاکید می‌کرد، دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان یک پدیده در حال گذار است. دیگر قدرت بورژوازی نیست، اما هنوز قدرتی به‌تمام و کمال پرولتری نیز نیست. با تعقیب انقلاب بورژوا - دمکراتیک و تبدیل آن به انقلاب سوسیالیستی، این دیکتاتوری به دیکتاتوری پرولتاریا فرامی‌رود.

نقش ارکان سیاسی دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را می‌بایستی یک دولت موقت انقلابی برعهده می‌گرفت که وظایف آن از جمله عبارت بود از فراخواندن مجلس موسان، مسلح کردن خلق و اشباع تحولات عمیق دمکراتیک در شهر و روستا برای اعمال شعار بر طبقات حاکم نه تنها "از پایین" بلکه همچنین "از بالا" و از این طریق بازگشت فایده‌بر کردن مهمترین دستاوردهای خلق.

در فاصله ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در برخی مناطق روسیه شوراها به مثابه طغف‌های شکل دولتی دیکتاتوری خلق انقلابی، به وجود آمدند. روشن بود که "حکومت مطلقه خلق" که بلشویک‌ها در این دوره خواهان برپایی آن بودند، در چارچوب به لحاظ تاریخی محدود دمکراسی بورژوازی و جمهوری پارلمانی نمی‌گنجید. شوراها شایندگان کارگران، کمیته‌های دهقانی و سایر سازمان‌های مشابه خلق بپاخاسته، که در جریان انقلاب تشکیل شدند، خود طغف‌هایی از نوع اساساً جدیدی از قدرت انقلابی بودند. لنین فوراً توجه و ارزش‌گذاری لازم را معطوف آنها کرد. همانگونه که در مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.) به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در روسیه آمده است، شوراها "ارکان‌های قدرت انقلابی، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان بودند. نبوغ لنین، با آینده‌نگری، در آنها الگویی برای قدرت شوروی می‌دید..." (۱۵)

این نتیجه‌گیری لنین که دیکتاتوری خلق انقلابی در برابر انقلاب بورژوا - دمکراتیک راه فرارویی به انقلاب سوسیالیستی را می‌گشاید، بر غنای آموزش مارکسیسم افزود. این اندیشه لنین بی‌رحمانه مهر بطلانی بر نظریات اپورتونیست‌ها

می‌زد که ولتیه کسب قدرت سیاسی در همان مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک را از برابر پرولتاریا و متحدانش برمی‌داشتند. برپایی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان برای طبقات تحت ستم این امکان را فراهم می‌آورد که نه تنها "از پایین"، بلکه "از بالا" عمل کنند، و میدان عمل برای تلفیق فعالیت خود توده‌ها و کار هدفمند پیشاهنگ پرولتری، که در راه انقلاب از شیوه‌های مختلف بهره می‌گیرد، می‌کشود. همچنین برای پرولتاریا این چشم‌انداز پدیدار می‌شد که نه تنها در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، بلکه همچنین در کشورهای دارای رشد متوسط سرمایه‌داری برای قدرت مبارزه کند و از این مبارزه برای فراویاندن انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی بهره گیرد.

لازم به تاکید است لنین رابطه مبارزه برای دمکراسی و مبارزه برای سوسیالیسم را در عصر امپریالیسم مورد تعقیب مجدد قرار داد. در قرن بیستم، وظایف مرحله دمکراتیک و سوسیالیستی انقلاب به طور تفکاتنگ درهم آمیخته و به هم نزدیک شده‌اند.

لنین نوشت: "کسی که بخواهد از راه دیگری سوی دیکتاتیس سیاسی به سوی سوسیالیسم برود، مسلماً... به نتایج بی‌معنی و مرتجعانه‌ای خواهد رسید." (۱۶) "تخود محقوله "دمکراسی" بسیار تعقیب می‌یافت. توده‌های زحمتکش در برابر این ولتیه جدی قرار داشتند که دمکراسی توده‌ای واقعی را که راه مستقیم انقلاب سوسیالیستی را می‌گشاید، به دست آورند. لنین، که استراتژی و تاکتیک سوسیال دمکراسی انقلابی را همواره از موضع دورنمای سوسیالیستی جنبش پرولتری تعیین می‌کرد، نخستین مارکسیستی بود که ابعاد تئوریک این موقعیت نوین را ارزیابی کرد و نشان داد که در عصر امپریالیسم سیاست پرولتاریا مبنی بر اتحاد با اقشار میانی در مبارزه برآ، دمکراسی و سوسیالیسم اهمیت خاصی می‌یابد. روند وقایع انقلابی در روسیه و سایر کشورها موید آن شد که این پیش‌بینی لنین درست بود.

لنین میان انقلاب بورژوا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی هم در مورد وظایف و هم در مورد ذخیره نیروهای مبارز در آنها، مرز روشنی می‌کشید و حزب را از دورنمای غیر واقعی و ماجراجویانه آغاز انقلاب با مبارزه در راه سوسیالیسم بر حذر می‌داشت. وی در همان دوره ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ میان انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی دیوار غیر قابل عبوری برپا می‌کرد. اندیشه نبوغ آمیز مارکس در مورد انقلاب بی‌وقفه، به مینای تئوری لنینی، فرارویی انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، که آموزش مارکسیستی انقلاب اجتماعی را غنی تر کرد، تبدیل شد. لنین نوشت: "ما پس از اتمام انقلاب دمکراتیک بلافاصله و درست به میزان نیروی خود که نیروی پرولتاریا آگاه و متشکل است، انقلاب سوسیالیستی را آغاز خواهیم نمود. ما هوادار انقلاب پی‌درپی هستیم. ما در نیمه راه توقف نخواهیم کرد." (۱۷)

لنین این مسئله را که انقلاب بورژوا - دمکراتیک چگونه به انقلاب سوسیالیستی فرامی‌رود، از این طریق حل کرد که شرایط عینی و ذهنی انقلاب، شرایط آغاز و چشم‌اندازهای رشد آن را با دقت علمی تحلیل کرد.

شرایط عینی، به‌طور اجتناب‌ناپذیر به مبارزه کل‌خلق بر علیه تزار و ملاکان، که در مرحله نخست در راه برپایی یک جمهوری دمکراتیک به پیش می‌رود و در مرحله دوم به مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی فرامی‌رود، دامن می‌زنند اما در همان مرحله نخست، پرولتاریا، منسجم‌ترین طبقه، و طبقه انقلابی پیگیر جامعه، به نیرویی تبدیل شد که توده‌ها را یکپارچه

می‌کرد. هژمونی پرولتاریا در روند انقلاب بورژوا-دمکراتیک به طور قاطعیت به رهبری توده‌ها در انقلاب سوسیالیستی فراروید.

دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان می‌بایستی به مهمترین ابزار سیاسی و به ابزار گذار موفقیت آمیز انقلاب از مرحله اول به مرحله دوم تبدیل شده راه مبارزه برای سوسیالیسم را هموار می‌کرد. "دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان هم مانند هر پدیده‌ای در عالم دارای یک گذشته و یک آینده است. گذشته آن، حکومت مطلق، سواژ، سلطنت و ممتازیت است. در مبارزه با این گذشته، در مبارزه با ضد انقلاب، "وحدت اراده" پرولتاریا و دهقانان ممکن است ویرا وحدت منافع وجود دارد.

آینده آن، مبارزه با مالکیت خصوصی، مبارزه کارگر روزمزد با صاحب کار و مبارزه در راه سوسیالیسم است. اینجا وحدت اراده غیر ممکن است. در اینجا راهی که در برابر ما قرار دارد راهی نیست که از حکومت مطلق به جمهوری می‌رود، بلکه راهی است که از جمهوری دمکراتیک خرده بورژوازی به سوی سوسیالیسم می‌رود. (۱۶) در این رابطه، لنین در همان سال ۱۹۰۵ با قاطعیت تأکید کرد که سرشت انقلاب، این امکان که در روسیه قدرت کارگران و دهقانان حفظ شود، قبل از هر چیز بسته به تناسب قوای طبقات در داخل کشور، به شرایط دگرگونی دمکراتیک در جریان در کشور است. این نوع طرح مسئله برای ادامه تکامل اندیشه لنین دارای اهمیت زیاد بود. این اندیشه هنگام جنگ جهانی اول به این نتیجه گیری منبوغ آمیز رسید: سوسیالیسم می‌تواند در آغاز در چند و یا حتی در یک کشور پیرو شود. تئوری لنینی فرارویی انقلاب بورژوا - دمکراتیک به سوسیالیسم می‌باشد. مهم برجسته ای در فضای گنجینه مارکسیسم داشت. کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. در مصوبه خود به مناسبت مقتادمین سالگرد انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ روسیه خاطر نشان کرد: "این تئوری که بر تحلیل علمی دوران نوین تاریخی و آرایش قوای طبقات مبتنی بود، تنها راه درست عمل انقلابی را کشف کرد." (۱۷)

بلشویک‌ها هنگام تدوین استراتژی و تاکتیک انقلابی به روشنی می‌دانستند: "امر آزادی روسیه و مبارزه پرولتاریای روس (و بین‌المللی) برای سوسیالیسم به میزان زیادی به شکست‌های نظامی حکومت مطلق بستگی دارد." (۲۰) بلشویک‌ها به رهبری لنین شی سیاسی مبارزه برای صلح را که با شی پاسیفیستی منشویک‌ها اختلاف اصولی داشت، تدوین کردند. بلشویک‌ها به جای لغایلی‌های بی‌معنی درباره صلح به هر قیمت که اهمیت شکست حکومت مطلق برای پرولتاریای روس را مخدوش می‌کرد، برنامه‌ای واقع بینانه برای مبارزه با جنگ ارائه کردند. لنین در این رابطه بر اهمیت مبارزه روزمره ضد میلیتاریستی و تبلیغ جستجوی ناپدید پرولتاریای انقلابی علیه جنگ تأکید می‌کرد. (۲۱) کلید حل مسئله صلح تدارک شرایط انقلاب بود. بلشویک‌ها خواهان شکست حکومت "خودی" بودند زیرا این امر تزاریسم را تضعیف و نظام حکومتی کاملاً مبتنی بر سرکوب و زور را سرنگون می‌کرد. لنین پیگیرانه تفاوت میان منافع خلق روسیه و منافع تزاریسم و بورژوازی در این جنگ را تشریح می‌کرد. بلشویک‌ها به زحمت‌شان نشان می‌دادند که دشمن آنها، نه ژاپن، بلکه حکومت مطلق تزاری است. لنین می‌گفت آنچه به انقلاب منجر می‌شود، از یک سمارچ‌اجویی‌های فحش و شکست تزاریسم و از سوی دیگر گسترش تهاجم جدی انقلابی است که پرولتاریا بدان دست می‌یازد و سوسیال دمکراسی آن را سازماندهی می‌کند و تدارک می‌یابد. (۲۲) بدین ترتیب در همان دوره، مبنای

مش‌ای نهاده شد که بلشویک‌ها در جریان نخستین جنگ جهانی به رهبری لنین دنبال می‌کردند: تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی و شکست "حکومت خودی".

طرح خلاقانه و واقعاً دیالکتیکی لنین در مورد انقلاب اجتماعی و استراتژی و تاکتیک آن در برابر موضع تجربیدی و جزم گرایانه منشویک‌ها قرار داشت. در ارزیابی از چشم اندازهای مبارزه، خشک اندیشی و لجبخت مغرط منشویک‌ها، گرایش آنها به قالب و الگوهای مرده و تقدیرگرایی تاریخی‌شان بازتاب می‌یافت. تفکر منشویک‌ها در دایره تصورات معمول در باره انقلاب‌های "کلاسیک" بورژوازی که تحت رهبری بورژوازی قرار داشتند می‌گنجید. منشویک‌ها آماده بودند ثمرات مبارزه خلق را به بورژوازی واگذارند. (۲۳) حتی هنگامی که منشویک‌ها هژمونی پرولتاریا در انقلاب آغاز شده را در حرف می‌پذیرفتند، این مفهوم را عملاً از محتوای انقلابی آن تهی می‌کردند. در الگوهای آنها نه جایی برای نقش رهبری طبقه کارگر در قبال دهقانان و نه برای مبارزه پیگیر با امپریالیسم ضد انقلابی روس بود. خطر اضمحلال کل "فلسفه انقلاب" منشویکی این اندیشه بود که پیروزی بر حکومت مطلق تنها زمانی تضمین می‌شود که "دمکراسی بورژوازی" خواه کادتا و یا هر حزب مشابه دیگر، به مرکز سیاسی کل جنبش رهایی بخش در روسیه تبدیل شود. (۲۴) بنابراین منشویک‌ها عملاً برای پرولتاریای روس تنها این نقش را فاکتور بودند که به لحاظ فیزیکی، نیروی اصلی انقلاب، "کارگر ساده" انقلاب باشد که داوطلبانه قدرت را به بورژوازی و می‌گذازد. این امر در عمل به معنای تسلیم منشویک‌ها در برابر لیبرال‌ها بود. منشویک‌ها با گذاشتن دعوت‌های عوام‌فریبانه به گسترش "خودجوشی" توده‌ها به جای کار مشخص سازمانی در میان توده‌ها، همواره به دنبال رویدادهای انقلابی لنگ لنگان روان بودند. به عنوان نمونه، کافی است به موضع آنها در قبال قیام مسلحانه، مهمترین ابزار پرولتاریا در مبارزه با حکومت مطلق بفرستیم. منشویک‌ها اگرچه ضرورت برخورد سرکوب ساز میان خلق انقلابی و تزاریسم را شفی نمی‌کردند، اما تدارک نظامی - فنی عملی آن را مطلقاً غیر واقع بینانه می‌دانستند. آنها وتالیف حزب در این عرصه را تنها به تبلیغ و دعوت به "تسلیم" خلق محدود می‌کردند. این امر منتهی لغایلی‌های آنها در باره قیام مسلحانه را به بازی با عبارات بی‌محتوا تبدیل می‌کرد. (۲۵)

اندیشه انقلابی که با شرکت دهقانان و رهبری طبقه کارگر انجام گیرد، برای منشویک‌ها بی‌بنا بود. آنها تأکید رانه برگرایش دمکراتیک دهقانان، بلکه بر پیشدوری‌ها و عقب ماندگی توده‌های دهقانی می‌گذاشتند. آنها تاکتیک هلوک چپ "بلشویک‌ها و به ویژه اندیشه دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان را شدیداً محکوم می‌کردند. (۲۶)

منشویک‌ها چشم انداز شرکت سوسیال دمکراسی در دولت موقت انقلابی را "فاجعه بار" می‌دانستند. به نظر ایدئولوگ‌های منشویک، انقلاب بورژوازی میبایستی دوره‌ای نسبتاً طولانی از "رشد آزاد بورژوازی" را آغاز می‌کرد که در آن پرولتاریا می‌بایست به ایفای نقش "اپوزیسیون افراطی چپ" اکتفا می‌کرد. از این رو منشویک‌ها هدف بلشویک‌ها مبنی بر شرکت دادن اعضای سوسیال - دمکراسی در دولت موقت انقلابی برای مبارزه بی‌رحمانه با ضد انقلاب و دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر، را "انقلابی‌گری شاروونیک" و تلاش‌های زودرس

برای انجماد دگرگونی سوسیالیستی می‌دانستند. پلخانوف تأکید می‌کرد: جمهوری دمکراتیکی که ما به دنبال آنیم، یک "جمهوری بورژوازی" (۲۷) است. پلخانوف می‌گفت حرکت هرگاه انقلاب "چند مرحله رایکبار" طی کند - و پلخانوف این را "نقص" اصلی برنامه تاکتیک بلشویک‌ها می‌دانست - این به معنای افول آن و عقب نشینی ناگزیر آن است، ویرا تنها اعتلای آهسته انقلاب، گام به گام و مطابق با الگوی قرن ۱۹ فرانسه، به نظر او می‌توانست "حداکثر کار تاریخی مفید" (۲۸) را انجام دهد.

لنین به پلخانوف و سایر منشویک‌ها پاسخ داد: "باید برداشتی واقعاً کودکانه از تاریخ داشت تا بتوان آن را بدون "جهش" و مانند یک خط‌دربیا و یکسان بالا رنده تصور کرد: نخست نوبت بورژوازی بزرگ لیبرال است: عقب نشینی کوچک حکومت مطلق، آنگاه نوبت خرده بورژوازی انقلابی است - جمهوری دمکراتیک، و بالاخره پرولتاریا - تحول سوسیالیستی. این تابلو در مجموع درست است، به تعبیر فرانسوی‌ها "در درازمدت" درست است، مثلاً برای کل یک قرن (به عنوان نمونه فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۱۹۰۵)، اما برای طرح یک برنامه عمل در یک دوران انقلابی بر مبنای این تصویر، باید استادسفته بود." (۲۹)

یک مشخصه ایدئولوژی منشویکی، بازی دکماتیک با میراث فکری مارکس و انگلس و این تلاش آنها بود که این آموزش را نه تنها به مثابه سیستمی از اصول عام حتماً درست برای استراتژی و تاکتیک پرولتاریای انقلابی تفسیر کنند، بلکه از آن برداشتی مانند نوعی مجموعه‌ای از "نسخه‌ها" و رهنمودهایی داشته باشند که مستقل از شرایط مشخص مکانی و زمانی باید به طور مکانیکی کاربرد بیابند. تئوریسین‌های منشویک، و از جمله مشهورترین آنها، پلخانوف، در حرف خصلت خلق مارکسیسم را می‌پذیرفتند، اما به هیچ قیمت حاضر نبودند بپذیرند که تجارب انقلاب‌های پیشین بورژوازی نباید بدون تدقیق و تکمیل اساسی، بر موقعیت روسیه در آغاز قرن بیستم کاربست یابند و این یا آن گفته مارکس و انگلس درباره رویدادهای ۱۸۴۸ آلمان، مارکسیست‌های روس را از ضرورت تحلیل مستقل و تصمیم گیری درباره هر مسئله مشخصی که روند وقایع انقلابی مطرح می‌کند (بدیهی است از موضع متدولوژی عام مارکسیسم) معاف نمی‌سازد.

در حالیکه منشویک‌ها به آن جنبه‌ها از میراث تئوریک مارکس و انگلس رومی‌آوردند که مرزهای معین تاریخی جنبش پرولتری در انقلاب‌های ۱۸۴۸ را حفظ می‌کردند، لنین و بلشویک‌ها از این میراث، آن هدف‌های عمومی را برمی‌گرفتند که گرایش‌های آتیقه جنبش پرولتری را بیش‌بینی می‌کرد. لنین و بلشویک‌ها طرح افکار را که در اروپای نیمه قرن ۱۹ نمی‌توانستند تابیان دنبال شوند، برای شرایط نوین در جهان آغاز قرن بیستم، تکمیل کردند. لنین به ویژه این نتیجه‌گیری را از مهمترین احکام مارکس می‌دانست که در همان انقلاب‌های ۱۸۴۸ - موضع ضد انقلابی بورژوازی به روشنی بروز یافت و توان قرار گرفتن در راس یک تحول واقعاً دمکراتیک بورژوازی و به ویژه تحقق ثوابت‌های دهقانان را از بورژوازی گرفت. لنین همچنین برای اندیشه‌های مارکس درباره "دیکتاتوری خلق" به مثابه ابزاری در مبارزه علیه طبقه در صفاه پند

استراتژی و تاکتیک مبارزه...

بقیه از صفحه قبل

ارتجاع فئودالی و بورژوازی، دربارهٔ مضمونی طبقه کارگر و اتحاد آن با دهقانان ارزش زیادی قائل بود. لنین تأکید می‌کرد: "شکی نیست که اجزای اصلی آن "مردمی" که مارکس در سال ۱۸۴۸ آنان را در تقابل مقابل ارتجاع مقاومت کننده و بورژوازی شینت کننده قرار می‌داد، پرولتاریا و دهقانانند." (۲۰) لنین در این رابطه به تفاوت میان آلمان ۱۸۴۸ و روسیه ۱۹۰۵، که در آن، ویژگیها، پرولتری جنبش و توانایی پرولتاریا در رهبری توده‌های دهقانی بسیار نیرومندتر شده بود، اشاره می‌کرد. وی نوشت: "... پرولتاریایی که دهقانان را با خود می‌گشاند، فرمول دیگری برای اندیشه دیکتاتوری انقلابی-دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان در فلانامه‌ها، بلشویکها نمی‌توان یافت." (۲۱)

لنین از اندیشه مارکس در باره انقلاب بی‌وقفه بهره گرفت و به زودی در واقعیت روسیه نیز آن ارکان قدرت سیاسی را یافت که ابزار ادامه فراورشی انقلاب از مرحله بورژوا-دمکراتیک به مرحله سوسیالیستی را می‌توانست تشکیل دهد و واقعا نیز تشکیل داد شوراها.

ترسکی اندیشه انقلاب بی‌وقفه مارکس را به نحوی فاحش تحریف می‌کرد. وی الگوی عمل به وضوح ماجر اجوبانه‌ای ارائه می‌کرد. طبق این الگو، تنها نیروی انقلابی در روسیه پرولتاریا بود. این طرح پرولتاریا را قادر به این می‌داشت که بلافاصله حکومت "دمکراسی کارگری" را تشکیل داده فوراً دگرگونی کشور بر مبنای سوسیالیستی را آغاز کند ("بدون تدار، حکومت کارگری"). در این رابطه ترسکی برخورد میان طبقه کارگر و دهقانان را اجتناب ناپذیر می‌دانست و معتقد بود تنها یک انقلاب اروپایی می‌تواند مواضع پرولتاریای روس را که در غیر این صورت "امیدی به حفظ آن نیست"، به میزان معین تقویت کند. بنابراین ترسکی نقش انقلابی دهقانان را انکار می‌کرد و ماجر اجوبانه دعوت به آن می‌کرد که او روی مرحله انقلاب دمکراتیک که هنوز در پیش بود، بریده شود. وی برای پرولتاریا این نقش را قائل نبود که نیروی مؤمن انقلاب باشد و در همین مرحله بتواند توده‌های خلق را به دنبال خود بکشد. عنصر خطرناک در الگوی ترسکی این بود که وی با همه رادیکالیسم نژادی و استبدادهای صوری خود به اندیشه مارکسیستی انقلاب بی‌وقفه، مهمترین اصول مارکسیسم انقلابی و آموزش مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا را به طرزی فاحش تحریف می‌کرد و می‌توانست این دیکتاتوری را او پایه قدرت دمکراتیک خود محروم کند، طبقه کارگر را از متحدانش منفرد سازد و از این طریق انقلاب را محکوم به شکست نماید. لغاطی‌های "ماورا" انقلابی، موثر، اما بی‌محتوای ترسکی در عمل به ماجر اجوبی و آتش در کاهدان می‌انجامید و پرولتاریا را از راه درست و انقلابی منحرف می‌کرد. بلشویکها قاطعانه علیه طرح التقاتلی و اراده‌گراییانه ترسکی موضع گرفتند، آن را به مثابه نوع خطرناکی از اهورتوفیسم افشامی کردند. بلشویکها همچنین با مشی ماجر اجوبانه اس -

ارما و آثارشها مبارزه می‌کردند.

در آن زمان حزب سوسیال رولوسیونرها به عنوان جناح چپ "جریان فوق‌العاده" گسترده و بدون شک دارای خصلت توده‌ای جنگلی و یا ترودویکی‌ای... که منافق دهقانان را در انقلاب بورژوازی روسیه بازناب می‌بخشد" (۲۲) عمل می‌کرد. از این رو بلشویکها رابطه با اس - ارما را صرفه‌فقر او نادرستی دکتترین آنها جزئی از تاکتیک "بلوک چپ" قرار می‌دادند. بلشویکها با اس - ارما به یک سلسله توافق‌ها عملی رسیده، تارکران اس - ارما جذب اقدامات مشترک انقلابی می‌شدند.

در عین حال بلشویکها دائماً مبارزه ایدئولوژیک بی‌رحمانه‌ای با نفوذ مغرب اس - ارما بر توده‌های کارگران و دهقانان به پیش می‌بردند. بلشویکها از جمله به افشای دعوی رهبری اس - ارما در جنبش انقلابی به مثابه یک ادعای به کلی بی‌پایه می‌پرداختند. لاوم به یادآوری است که "انجمن‌های کارگری" اس - ار در فاصله ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در بسیاری از شهرهای روسیه فعالیت داشتند و "روحیه مبارزاتی" آنها در میان بخشی از وحشتناک سازمان نیافته و کم آگاه، نسبت به این حزب هواداری برمی‌انگیخت. برنامه آنها برای اجتماعی کردن زمین هیچ ربطی به سوسیالیسم نداشت، اما به طور عینی بازتاب دهنده تمایل دهقانان به نابودی بورژوازی مالکی و "برابری" در مالکیت زمین بود. از این رو این برنامه نزد برخی کارگران که تا چندی پیش در روستا کار می‌کردند، طرفدار داشت. علاوه بر این، اس - ارما می‌خواستند از افشعاب ح. س. د. ک. ر. به سود خود بهره گیرند، بدین طریق که می‌کوشیدند کارگران ناراضی از این افشعاب را به سوی خود جلب کنند. بنابراین همه این دلایل، بلشویکها می‌بایستی برنامه اس - ارما را با همه نیرو نقد کرده علیه ماجر اجوبی آنها دست به مبارزه می‌زدند، زیرا اس - ارما در انتخاب زمان قیام موقعیت عینی و آمادگی توده‌ها برای اقدام علنی را به حساب نمی‌آوردند.

جناح چپ اس - ارما که در سال ۱۹۰۶ به صورت "اتحادیه ماکزیالیست‌ها" شکل یافت و کارگران را فراخواند و تالیف سوسیالیستی راه تفه با اجتماعی کردن زمین، بلکه همچنین کارخانجات، به طور بلافاصل حل کنند، بسیار به آثارشیم، که در مناطق قریب و جنوبی کشور، در پترسبورگ و بعضاً در قفقاز به گسترش معینی رسیده بود، نزدیک بود. در اواخر ۱۹۰۵، آثار کوسفدیکالیسم روس نیز با به صفحه گذاشت.

بنابراین، در جنبش کارگری روسیه مبارزه ایدئولوژیک شدیدی جریان داشت که در روال آن، توده‌های پرولتری تدریجاً حول سوسیال دمکراسی انقلابی گرد آمدند. ستیغ عمده میان بلشویسم و منشویسم بود که دوشی انقلاب را تمایز می‌کردند. بلشویکها پرولتاریا را که شجاعانه به میدان نبرد با حکومت مطلقه رفت و در اتحاد با دهقانان برای پیروزی قطعی قیام خلق می‌رومید، رهبری کردند. منشویکها به دنبال "مهاجرت کردن اقدامات" طبقه کارگر با بورژوازی لیبرال بوده با تلاش خود برای تبدیل پرولتاریا به ژانده ساده جنبش لیبرالی، به طور عینی مانع رشد مبارزه انقلابی بودند.

همانگونه که رویدادها نشان داد، حزب بلشویک پیشاهنگ واقعی جنبش کارگری و کل خلق انقلابی بود و به گفته لنین انقلاب، درستی همه اصول تلوریک مارکسیسم، همه شعارها، اصلی بلشویسم و ایمان حزب به پرولتاریای انقلابی روس (۲۳) را نشان داد.

پانویس‌ها

- (۱) و. لنین، طرح برنامه حزب ما، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۲۹. (به زبان آلمانی)
- (۲) دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک، مجموعه آثار، ج ۹، ص ۱۰۴.
- (۳) و. لنین، انقلابی از نوع ۱۷۸۹ یا ۱۸۴۸، ج ۸، ص ۲۴۹. مجموعه آثار
- (۴) و. لنین، گزارش در باره کنفره وحدت ح. س. د. ک. ر.، مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۲۶۲.
- (۵) دو تاکتیک ح. س. د. ک. ر.، ج ۹، ص ۹۰.
- (۶) "فلانامه‌های ح. س. د. ک. ر."، ج ۱۰، ص ۱۱۷.
- (۷) و. لنین، تجدید نظر در برنامه دهقانی حزب کارگری، مجموعه آثار، ج ۱۰، ص ۱۸۴.
- (۸) و. لنین، کنفره وحدت ح. س. د. ک. ر.، ص ۲۷۹-۲۸۹
- (۹) ج ۱۰، ص ۲۷۹-۲۸۹
- (۱۰) و. لنین، نقش افشار و طبقات در جنبش رهایی بخش، ج ۱۹، ص ۲۱-۲۲.
- (۱۱) نادر داکروپسکیا، خاطراتی از لنین، ص ۱۳۰.
- (۱۲) طرح فطقی از کارل مارکس درباره عمل سیاسی طبقه کارگر، مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۱۷، ص ۶۵۲.
- (۱۳) و. لنین، جریانی عقب مانده در سوسیال دمکراسی روس، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۷۰.
- (۱۴) دو تاکتیک ح. س. د. ک. ر.، ج ۹، ص ۴۴.
- (۱۵) "فلانامه‌ها"، ج ۱۰، ص ۴۷۵.
- (۱۶) دو تاکتیک ح. س. د. ک. ر.، ج ۹، ص ۱۵.
- (۱۷) و. لنین، روش سوسیال دمکراسی نسبت به جنبش دهقانان، ج ۹، ص ۲۲۲.
- (۱۸) دو تاکتیک ح. س. د. ک. ر.، ج ۹، ص ۷۴-۷۲.
- (۱۹) "فلانامه‌ها"، ج ۱۱، ص ۷۷۴.
- (۲۰) و. لنین، سقوط پورت آرتور، ج ۸، ص ۴۰.
- (۲۱) همانجا
- (۲۲) همانجا، و "کنفره سوم" در ج ۸، ص ۴۴۶.
- (۲۳) "پروتنک‌های کنفره چهارم (وحدت) ح. س. د. ک. ر.، مسکو ۱۹۵۹.
- (۲۴) "جنبش اجتماعی در روسیه در آغاز قرن بیستم"، ج ۳، کتاب ۵
- (۲۵) ایسکرا، ۲۷ ژانویه ۱۹۰۵.
- (۲۶) مجموعه آثار پلخانف، ج ۱۵، ص ۲۰۵.
- (۲۷) همانجا، ج ۱۵، ص ۷۵.
- (۲۸) همانجا، ج ۱۳، ص ۲۸۵.
- (۲۹) و. لنین، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان، مجموعه آثار، ج ۸، ص ۲۹۲.
- (۳۰) دو تاکتیک ح. س. د. ک. ر.، ج ۹، ص ۱۲۶.
- (۳۱) و. لنین، هدف مبارزه پرولتاریا در انقلاب ما، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
- (۳۲) و. لنین، چگونه اس - ارما از انقلاب درس می‌گیرند و انقلاب چگونه درباره اس - ارما قضاوت می‌کند، ج ۱۵، ص ۳۳۹.
- (۳۳) و. لنین، درباره شواصی حزب، ج ۱۰، ص ۱۶.

اعلامیه مشترک حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست آلمان

فرانسه و آلمان فدرال برآنند که رابطه نظامی خود را استحکام بیشتری بخشند و یک فرماندهی نظامی مشترک ایجاد کنند. فرانسه قصد دارد از این طریق وژنه خود را در اروپا و ناتو سنگین تر کند و آلمان فدرال می خواهد در شرایط امضای معاهده اخیر بین آمریکا و شوروی که بر مبنای آن از جمله موشکهای پرشنگ مستقر در خاک آلمان فدرال برچیده خواهد شد، وزیرچتر اتمی فرانسه قرار گیرد. آمریکا از نویدی نظامی بیشتر فرانسه و آلمان فدرال بخشنود است و با تشویق فرانسه به تولید سلاحهای اتمی بیشتر، می گوید: خلا موشکهای پرشنگ را برساند.

در افشای نزدیکی نظامی بیشتر دو کشور حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست آلمان در هفته گذشته اعلامیه مشترکی انتشار دادند. در این اعلامیه ضمن پشتیبانی قاطع از قراردادی که اخیرا در واشنگتن به امضای کارباچف و ریگان رسید گفته شده است: تحولات تازه در چارچوب ناتو در اروپا، بخلاف روندی سیر می کند که به امضای قرارداد واشنگتن منجر شد. مضمون تحولات تازه تحکیم یک بلوک نظامی است که هسته اصلی آن سلاحهای اتمی انگلستان و فرانسه و سلاحهای قرارداد آلمان فدرال و دیگر کشورهای اروپایی عضو ناتو تشکیل می دهند.

تحریم موفقیت آمیز مضحک انتخاباتی در هائیتی

دو سال پیش رژیم دست نشانده ژان کلود دوالیه در هائیتی سرنگون شد و دوالیه به فرانسه گریخت. به جای رژیم دوالیه یک حکومت نظامی بر سر کار آمد که ژنرال نامقی در راس آن است. ژنرال نامقی حکومت خود را یک "حکومت موقت" می داند و پیش از این اعلام کرده بود جای خود را به حکومت منتخب در جریان انتخابات روز یکشنبه هفته گذشته خواهد داد. هدف انتخابات دوهفته پیش روی کار آوردن چهره های تازه ای از باند دوالیه بر سر کار بود. همه احزاب چپ و دموکراتیک از جمله حزب کمونیست این انتخابات نمایشی را تحریم کردند.

تحریم بسیار موفقیت آمیز بود. حتی خیرگزاری های امپریالیستی گزارش کردند که در انتخاب کمتر از ده درصد واجدین شرایط شرکت داشتند. تقلب و تزویر در این انتخابات به حدی بود که دولت آمریکا نیز که به این مضحکه امید زیادی بسته بود، نتوانست منکر رسوایی حاصل از آن شود. در جریان انتخابات ۴۰ ناو جنگی آمریکا و ناتو به زیره هائیتی را عملا به محاصره درآورده بودند و تصمیم داشتند در صورت بالا گرفتن شورش های دست به مدخله مستقیم زنند.

اخبار خارجی

* بنابر آمار رسمی دولت انگلستان، که در نیمه ژانویه اعلام شد، تعداد بیکاران در این کشور بالغ بر ۲/۶۹۵/۸۱۰ نفر است. بر اساس این آمار قریب به ۱۰ درصد واجدین شرایط کار در انگلستان، بیکارند. در آلمان فدرال پیش بینی می شود که رقم بیکاران در پایان سال ۱۹۸۸ سرب ۲/۵ میلیون نفر بزنند.

* ۲۱ حزب اپوزیسیون در بتکلادش اعلام کردند انتخابات پارلمان را تحریم خواهند کرد. ژنرال ارشاد، رئیس جمهور بتکلادش روز ۲۸ فوریه را روز برگزاری انتخابات اعلام کرده است. ژنرال تصمیم دارد از طریق گلوله و بانوم و تقلب بایه های حکومت خود را با یک انتخابات نمایشی، تسخیم بخشد. اپوزیسیون خواهان برکناری ژنرال ارشاد است.

* در آغاز هفته گذشته یکی از رهبران حزب کمونیست هندوستان در ایالت پنجاب به دست راست گرایان افراطی کشته شد. حزب کمونیست و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان تصمیم گرفته اند کمیته مشترکی برای مقابله علیه راست گرایان در ایالت پنجاب تشکیل دهند. آنها در این رابطه فراخوانی خطاب به احزاب مختلف انتشار داده اند.

* در هفته گذشته اهالی کواتالا با یک تظاهرات ۳۰۰۰ نفره که از سوی سدیهای کارگری، اتحادیه های دهقانی و سازمانهای دانشجویی سازمان یافته بود، علیه کرائی و بیکاری و پایمال شدن حقوق بشر در کشور اعتراض کردند. * وزارت امنیت عمومی چین، شایعه آزادی قریب الوقوع چیانگ چینگ، بیوه مائو و دیگر اعضای "باند چهار نفره" را تکذیب کرد.

تلاش های سازمان ملل برای حل مسئله افغانستان

تمهیدات مختلف که یک بند آن مربوط به خروج نیروهای شوروی است.

ضدانقلابیون افغانی با ماموریت صلح دیکتاتور دوز مخالفت کرده اند. ژنرال ضیاالحق، رئیس جمهور پاکستان نیز اعلام کرده است اگرچه با مذاکرات دیپلماتیک و حل مسائل از طریق مذاکره موافق است، اما در آینده بر ضد انقلابیون افغانی در پاکستان "فشاری وارد نخواهد کرد."

— در هفته گذشته در کابل اعلام شد که به زودی بر مبنای یک قانون تازه، انتخابات عمومی در کشور، برگزار خواهد گردید.

— در روز دوشنبه هفته گذشته دیکتاتور دوز قائم مقام دبیرکل سازمان ملل در یک مصاحبه مناجواتی در نیویورک اعلام کرد که مذاکرات دیپلماتیک بر سر مساله افغانستان به زودی به یک نتیجه خواهد رسید. کوردوز که در هفته گذشته به کابل و اسلام آباد سفر کرد، پیش از سفر خود اعلام کرد برای به انجام رسیدن مذاکرات، سندهای چند تپیه شده که از آن جمله اند قرارداد بین افغانستان و پاکستان در زمینه عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، سندی در باره بازگشت فراریان، سندی در مورد تضمین های بین المللی، که شوروی و آمریکا آن را امضا خواهند کرد و نیز سندی در باره ارتباط بین

اعتصاب عمومی در فلسطین اشغالی



یک اردوگاه آوارگان فلسطینی در محاصره سربازان اسرائیلی

یکبار دیگر اراده خلق فلسطین برای مقابله پیاپی با اشغالگران را به نمایش گذاشت. اعتصاب بانظارات همراه بود.

اعتصاب عمومی در روزهای پنج شنبه و جمعه نیز ادامه یافت. سربازان اسرائیلی قفل در مغاوه ها را شکستند و می خواستند به زور اسلحه به اعتصاب پایان دهند که ره به جایی نبردند.

در هفته گذشته جان ۲۰۰۰۰ فلسطینی ساکن اردوگاههای آوارگان در نوار غزه به خاطر گرسنگی در معرض تهدید بود. ارتش اسرائیل اردوگاهها را به محاصره در آورده بود و از رسیدن مواد غذایی به آنها جلوگیری می کرد.

در روز سه شنبه، اعلام یک اعتصاب عمومی

چهارمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا

نیروهای مترقی که دفاع از حقوق جوانان را در برنامه خویش دارند دعوت کرد تا حول برنامه‌ای گرد آمده و مبارزه مشترکی را جهت دفاع از حقوق اجتماعی جوانان پیش برند. جوانان پیشکام ایران - اسپانیا در این کنگره حضور فعالی داشت و پیمانی نییوبرای کنگره ارسال نمود. در طول روزهای برگزاری کنگره هیات نمایندگی جوانان پیشکام با هیات‌های نمایندگی مهمان از کشورهای شیلی، السالوادور، پیرو، فلسطین، سوریه، صحرای آلمان، مراکش و تونس ملاقات داشته و ضمن بیان اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران، خواستار همبستگی همه نیروها، کمیونیست و نیروهای دمکرات باخلاق‌های ایران جهت پایان دادن جنگ و مبارزه با رژیم خونخوار میمنی شدند.

در روز دهم ژانویه کنگره با طنین سرود انترناسیونال پایان یافت.

چهارمین کنگره فدرال اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا از هفتم تا دهم ژانویه با حضور بیش از ۲۰۰ هیأت نمایندگی از جانب ۲۲۰۰ عضو کمونیست این اتحادیه، در شهر آلتاگادا انارس «برگزاشد» در این کشور ۳۹ هیأت نمایندگی از جانب سازمان‌ها و جنبش‌های جوانان کمونیست و دمکرات سایر کشورها از جمله جوانان پیش‌گام ایران، حضور داشتند.

شعار اصلی کنفره مبارزه بخطر
ایجاد آلفرناتو چپ و تاکید
بر وحدت جنبش کمونیستی جوانان در
یک تشکیلات واحد بود. تغییرات
لازمه در ساختار تشکیلات جهت
پاسخگویی سازمانی به جنبش اوج
گیرنده قریب دانشجویی و تلاش برای
درک واقعیت تغییر یابنده زمان نو
ویافتن پاسخ های درخور برای مسائل
نو، بخش مهمی از کار کنفره را بخود
اختصاص داد.

کفتره طی فراخوانی از همه



پریکنای جبهه آزادی بخش فارابوند و مارتی

جریان حملات ۲۱۸ خودروی نظامی ارتش تحت اختیار مستشاران آمریکایی، منهدم شده و یا آسیب دیده‌اند. در سال گذشته ۲۷۸ بار در سراز کاروانهای نظامی کمین گذاری شده است.

چریکهای جبهه آزاد، بخش
فراپوندومارتی در روز اول ژانویه
دست به اولین حمله خود در سال جدید
زدند. هدف حمله منهدم کردن یک
پایگاه نظامی در مژهندوراس بود که
با موفقیت انجام شد.

سال گذشته میلادی با بیشترین موفقیت‌های نظامی و سیاسی برای جبهه آزادی‌بخش فارابندومارتی در سال‌های همراه بود. چریک‌های این جبهه در جریان حملات متعدد خود توانستند ۸۸۵ نفر از نیروهای دشمن را از پاد آورده و یا زخمی سازند. دشمن بطور متوسط روزانه ۲۴ نفر را از دست داده است. انقلابیون همچنین هواپیما و هلی کوپتر دشمن را رانگون ساخته و به ۲۴ فروند هواپیما و هلی کوپتر دیگر آسیب رسانده‌اند. در

انتخابات وجناحها، انتخابات جناحی

شاید یکی از حساسترین دوره‌های جمعی شورای اسلامی باشد، بخاطر این‌که شاید حداقل ۲ مرتبه هیات وزیران را انتخاب کند یکی در اوائل تشکیل که هیئت دولت را باید تأیید کند و دیگری در سال ۶۸، پس از انتخابات ریاست جمهوری.

(رسالت ۱۷ دیماه)

اما اگر انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی برای جبهه‌ها و جناحهای دوران حکومتی حساس است، مقدمات این انتخابات، شوه معرفتی شدن کاندیداها، شوه پیشرفت تبلیغات انتخاباتی نظارت بر انتخابات نیز طبعاً "حساس و مهم" خواهند بود.

در این راستا دسته بندی های
بقیه در صفحه ۶

تا انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، مدت زمان زیادی نمانده است. نزدیک شدن زمان انتخابات، همانگونه که قابل پیش‌بینی بود، بر آتش جنگ درون حکومتی همیشه شعله‌ور است و آن را از پستوها و اندرونی‌ها به عرصه رسانه‌ها کشانده است. در انتخابات سومین دوره مجلس، هر جفاح می‌کودت تا به فراخور نیروی خود، کرسی‌های هرچه بیشتری را به تصرف خود درآورده و از طریق تقسیم مجدد کرسی‌های مجلس، بر پشتوانه سیاسی خود بیافزاید. برای این مقوال انتخابات بسیار مهم تلقی شده است. خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم، اهمیت انتخابات فروردین ماه مجلس شورای اسلامی را چنین تصویر کرده است: "این مجلس - مجلس آتی -

برای اشتراك نشریات «كار» و «اكثريت» در خارج از كشور فرم زير را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، قمبر پستی و يارسيد بانكی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشر به ارسال نماييد:

دیگر نقاط	اروپا			بهای اشتراک
۱۳ مارک	۱۱ مارک	☐	شش ماهه	
۲۴	۳۱	☐	یک ساله	تشریه «کار»

دیگر نقاط	اروپا			
۳۰ مارک	۲۷ مارک	سه ماهه	☐	بهای اشتراک
۵۸	۵۲	شش ماهه	☐	نشریه «اکثریت»
۱۱۵	۱۰۲	یک ساله	☐	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO.192
MONDAY, 25 JAN. 88

حساب داتکے

AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
 فدائیان خلق را در انجام
 وظایف انقلابی
 یاری دهید